

با وجود برخی عقب نشینی‌های دولت

نفتگران همچنان خواسته‌های خود را پی می‌گیرند

● حق داشتن تشکل مستقل کارگری، بستن قراردادها و آزادی فوری کارگران زندانی از جمله

مطالبات اساسی کارگران نفت هستند



تجمع کارگران در مقابل وزارت نفت

علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر، در مصاحبه با یک نشریه سوئدی تایید کرد که دولت در جریان تظاهرات گسترده کارگران نفت، گروهی از کارگران را بازداشت کرده است. به گفته وی ۲۰ نفر از کارگران هنوز در بازداشت به سر می‌برند. محبوب در مصاحبه با نشریه «داگنر آرید» گفت کارگران بازداشتی محاکمه خواهند شد. محبوب گفت کارگران دستگیر شده ممکن است علاوه بر شش ماه زندان، به ضربات شلاق نیز محکوم شوند و از کار اخراج گردند. محبوب در توصیف اعتصاب کارگران گفت:

روز حادثه ۲۰۰۰ کارگر در بیرون ساختمان وزارت نفت در تهران اجتماع کرده و ما که آن جا بودیم تلاش کردیم حرکتشان را متوقف کنیم و هم چنین می‌گوئیم نیروهای امنیتی را آرام کنیم. اما از آن جا که این حرکت غیرقانونی بود، نتوانستیم جلو دخالت پلیس را بگیریم.

آن چه محبوب در این مصاحبه فاش ساخت، وحشیگری نیروهای انتظامی در برابر کارگران اعتراضی بود. بنا به گزارش‌های منابع مختلف، پاسداران با قساوت و بی‌رحمی به کارگران حمله کردند و نزدیک به ۳۰۰ نفر را در همان محل تظاهرات دستگیر کردند و بسیاری از آن‌ها را مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار دادند. دو نفر از کارگران بازداشت شده به ادامه در صفحه ۲

رفسنجانی مشاوران را شد خامنه‌ای شد

● خامنه‌ای رفسنجانی را به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام

منصوب کرد

● اکثریت مجمع تشخیص مصلحت با جامعه روحانیت مبارز است

روز ۲۷ اسفند ماه، خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک اقدام کم‌سابقه به تغییر و تکمیل اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام پرداخت. خامنه‌ای ۱۳ نفر بر اعضای سابق مجمع افزود و هاشمی رفسنجانی را که چهار ماه پیشتر به پایان دوران ریاست جمهوری ۸ ساله وی رسانده است، در راس آن قرار داد. خامنه‌ای در حکم انتصاب رفسنجانی و اعضای جدید، مجمع تشخیص مصلحت نظام را یکی از «مبارک‌ترین نهادهای قانونی جمهوری اسلامی» خواند و در مورد وظایف آن نوشت: این «مجمع در تشخیص مصلحت در موارد تعارض میان مصوبه مجلس و نظر شورای نگهبان» و «تعیین سیاست‌های کلی نظام و نیز حل معضلات عمده‌ی کشور و رسیدگی به امور مهمی که رهبری به آن ارجاع می‌کند، نقش مشاور رهبر را ایفا می‌کند.»

در مجمع تشخیص مصلحت نظام که با گزینش افراد جدید شمار اعضای آن به ۳۲ نفر رسید، علاوه بر روسای مجلس، قوه قضاییه و رئیس جمعی، شش تن از فقهای شورای نگهبان، یکی از وزرا و مهدوی کنی، امینی نجف آبادی، واعظ طبسی، جنتی، امامی کاشانی، حسن حبیبی، میرحسین موسوی، علی اکبر ولایتی، محمد ری شهری، شیخ حسن صانعی، حسن روحانی، موسوی خوسرویی، علی عسکراولادی، درویشی، موسوی لاریجانی، مصطفی میرسلیم، توسلی

محلای، عبدالله نوری، مرتضی نبوی، فیروزآبادی، غلامرضا آقازاده، بیژن نامدار زنگنه، محمد هاشمی و محسن نوربخش عضویت دارند. خامنه‌ای در گزینش ترکیب جدید اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام تلاش کرده است سخنگویان و به بیان دیگر نمایندگان جناح‌های مختلف فکری و سیاسی و رهبران دستجات و گروه‌های «داخل نظام» را گردهم آورد و نگذارد در جنگ اندیشه و قدرت مصلحت نظام را نادیده بگیرند و کار همدیگر را «یکسره» سازند.

برخی از ناظران سیاسی احیای فعالیت مجمع تشخیص مصلحت نظام را با آینده سیاسی هاشمی رفسنجانی مربوط می‌دانند. رفسنجانی دو ماه پیش در مصاحبه مطبوعاتی گفته بود در مورد مشاغل و مناصب آینده خود پس از پایان دوران ریاست جمهوری، گفتگوهایی با خامنه‌ای انجام داده است. و در مصاحبه بعدی افزود: من به عنوان کمک و دستیار رهبری به فعالیت سیاسی ادامه خواهم داد. برخی دیگر از مفسران، با توجه به ترکیب تازه مجمع، آن را شورای رهبری وسیع می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که اگرچه ولایت فقیه در شکل مانده اما در محتوا، قدرت آن دستخوش تحول شده است. بحث شورای رهبری از مدتها پیش در درون نظام مطرح است و در آخرین جلسه مجلس خبرگان که دو ماه پیش برگزار شد و رفسنجانی به ادامه در صفحه ۳

در مصاحبه با خبرنگار بی‌بی‌سی، محبوب در مصاحبه با نشریه سوئدی تایید کرد که دولت در جریان تظاهرات گسترده کارگران نفت، گروهی از کارگران را بازداشت کرده است. به گفته وی ۲۰ نفر از کارگران هنوز در بازداشت به سر می‌برند. محبوب در مصاحبه با نشریه «داگنر آرید» گفت کارگران بازداشتی محاکمه خواهند شد. محبوب گفت کارگران دستگیر شده ممکن است علاوه بر شش ماه زندان، به ضربات شلاق نیز محکوم شوند و از کار اخراج گردند. محبوب در توصیف اعتصاب کارگران گفت:

شب چهارشنبه سوری تهران یکپارچه روشنایی و نور بود

● مأموران انتظامی تعدادی از جوانان را دستگیر کردند

در خانه‌ها، پشت‌بام‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها با شور و هیجان زیاد برگزار کردند. دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی و ارگان‌های انتظامی از چند هفته پیش از رسیدن چهارشنبه‌سوری به انتشار اخبار حوادث ناشی از انفجار

علیرغم فضای رعب و وحشی که پاسداران در آستانه نوروز برای جلوگیری از برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری ایجاد کرده بودند، میلیون‌ها نفر از مردم کشورمان در تهران و شهرستانها، مراسم باستانی چهارشنبه‌سوری را با برفروختن آتش

انتخابات و کاندیداهای حکومتی

دو ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، تبلیغات کاندیداها و جناح‌های حکومت اسلامی برای کسب آراء بیشتر فزونی یافته است. این تبلیغات به شکل اعلام حمایت انجمن‌ها و نهادهای مختلف از یکی از کاندیداها و سخنرانی‌های کاندیداها در مجامع مختلف انجام می‌یابد. انجمن‌های مختلف اسلامی وابسته به گرایش «خط امام» و نیز «کارگزاران» از محمد خاتمی اعلام حمایت کرده‌اند. این اعلام حمایت‌ها صفحات مختلف نشریات وابسته به این جناح‌ها از جمله سلام و همشهری را دربرگرفته است. خاتمی طی بیانیه‌ای رئیس‌جمهوری خود را اعلام کرد که برخی از آنها به شرح زیر است:

«دبیانت و معنویت، عبدالله‌گستری و تبعیض‌زدایی، فضیلت و مجاهدت، حرمت انسان و

بیست نفر ایرانی و عراقی در دریای مدیترانه غرق شدند

حقوق و آزادی‌های قانونی، وحدت اسلامی وفاق ملی...» خاتمی تبلیغات خود را بر پایه پذیرش ولایت فقیه و دفاع از آزادی‌ها در چارچوب نظام قرار داده است. چهره‌های مختلف «کارگزاران» از جمله عطاءالله مهاجرانی، کرباسچی شهردار تهران و محسن نوربخش در سخنرانی‌های متعدد خود علت حمایت این گروه‌ها از ریاست جمهوری خاتمی توضیح دادند. روزنامه رسالت، ارگان مدافعین ققه سنتی و بازار که از ناطق نوری پشتیبانی می‌کند، در مقاله‌ای تحت عنوان «خط تجزیه» کارگزاران را مورد حمله قرار داده و نوشته است: «کارگزاران نشان داده‌اند، بیشترین استعداد را دارند که خود را با شرایط زمان و مکان وفق دهند.» و نوشته است: «ائتلاف کارگزاران و مجمع ادامه در صفحه ۲

وسائل آتش‌بازی، دستگیری‌ها و تهدید مردم، تلاش کردند با چهره‌های دلسوزانه تا آنجا که می‌توانند مراسم چهارشنبه‌سوری را از رونق ببندند و به تعقیب و دستگیری‌های خود در شب چهارشنبه سوری مشروعت ادامه در صفحه ۹

در این شماره

● در آستانه امروز

پژوهشی در سرنوشت و سرنوشت جهان بینی سوسیالیسم امیر ممینی صفحه ۶

● نگاهی به کتاب

«شکست حزب کمونیست شوروی و نتایج آن» از انتشارات مدرسه حزبی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صفحه ۷

دلائل زیادی

برای قیام وجود دارد سمیر امین صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۲

مجمع تشخیص مصلحت نظام: مرکز جدید قدرت؟

بالاخره مشکل آینده هاشمی رفسنجانی حل شد و معلوم گردید که رئیس جمهور بازنشسته، از چهار ماه دیگر در کدام مقام به «خدمتگزاری» ادامه خواهد داد. آخوندهای حاکم، این بار راهی یافتند که بدون تغییر قانون اساسی، معضل پرسنلی خود را حل کنند، در حالی که در سال ۱۳۶۸، برای تقسیم «عدالت» قدرت بین دو وارث اصلی خمینی، یعنی خامنه‌ای و رفسنجانی، قانون اساسی را تغییر دادند و مقام نخست‌وزیر را حذف کردند تا همه قدرت اجرایی در دست رفسنجانی باشد. این بار هم از حدود یک سال پیش، طرفداران رفسنجانی زمزمه‌هایی را آغاز نمودند که باید قانون اساسی را باز هم تغییر داد تا نامبرده، بتواند بیش از دو بار رئیس جمهور شود. اما خامنه‌ای به این زمزمه‌ها پایان داد و تصریح کرد دور دوم ریاست جمهوری رفسنجانی، دور آخر او خواهد بود. اکنون خامنه‌ای در قانون اساسی تغییر یافته ۱۳۶۸، جای مناسبی برای شریک خود پیدا کرده و او را به ریاست «مجمع تشخیص مصلحت» گمارده است. این مجمع نیز یکی دیگر از مصداق‌های تغییر قانون اساسی به دلخواه و در هر شرایطی است که مقتضیات سیاسی روز ایجاب کند. وقتی درگیری بین مجلس و شورای نگهبان، یک سلسله تصمیمات قانون‌گذاری را در جمهوری اسلامی بلوکه کرد، خمینی با بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود جمهوری اسلامی، نهادی بالاتر از مجلس و شورای نگهبان ساخت تا کشمکش‌ها و کتلج‌ها بر سر لوائح بالاترکلیف، در این مجمع ادامه یابد. رهبر نظام قانون اساسی خودساخته را به ریشخند گرفت و این نخستین بار نبود که چنین می‌کرد. در قانون اساسی اولیه جمهوری اسلامی، همه جا سخن از مجلس شورای «ملی» بود. اما با رانده شدن نیروهای باگرایش ملی-اسلامی از حکومت، نفرت خمینی از واژه «ملی» چنان شدت یافت که دیگر مجلس شورای ملی را مجلس شورای اسلامی خواند و به تبع او، تا هنگام تغییر قانون اساسی و گنجانیدن نام جدید مجلس در آن، علیرغم متن اولیه قانون، همه حکومتیان سخن از مجلس شورای اسلامی می‌راندند. هر کس، ارزش چیزی را که خودش ساخته است، بهتر از همه می‌داند. خمینی و اعوان و انصارش با رفتاری که با قانون اساسی خودشان داشتند و دارند، نشان دادند که برای سند مصوب رأی ادعایی ده‌ها میلیونی، ارزشی بیش از یک ورق پاره قائل نیستند.

با اینکه این بار ظاهراً مجمع تشخیص مصلحت، بدون تغییر قانون اساسی جایگاه جدید خود را یافته است، اما در حقیقت بار دیگر قانون اساسی نقض می‌شود. در حالی که تاکنون، این مجمع صرفاً یک مرجع دوری در اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان بود، اکنون به تصریح حکم خامنه‌ای، «سیاست‌گذاری کلی نظام» و «سیاست‌گذاری کلان کشور» در زمره وظایف آن قرار می‌گیرد. سوال اینجاست که مگر تا به حال، کسی صاحب این اختیارات نبوده که اکنون این مسئولیت‌ها به مجمع جدید واگذار می‌شود؟ پاسخ، روشن است: گردانندگان جمهوری اسلامی، بنا به مقتضیات سیاسی روز و هر گونه که آرایش جدید جناح‌ها (و حتی آینده شغلی اشخاص) ایجاب کند، معیارهای قانونی خود را عوض می‌کنند. این، سبب‌های قانونی است که منطبق بر هیكل و هیبت نیروها و عناصر اصلی حکومتی ایجاد می‌شود، نه اینکه منطبق بر الزامات یک پست قانونی، فردی را از میان خود برای احراز آن برگزینند. در جمهوری اسلامی، نه از حکومت مردم خبری است و نه از حکومت قانون. دولت و کشورداری، یک غنیمت جنگی است که آخوندهای حاکم آن را به نسبت زور خود تکه پاره می‌کنند و هر یک سهمی از آن می‌برند.

از این قاعده کلی که بگذریم، این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک مرکز واقعی قدرت خواهد بود یا اینکه خامنه‌ای صرفاً یک کلوب بازنشستگان سیاسی ایجاد کرده است تا سقوط رفسنجانی از مسند ریاست جمهوری، به شکستن دست و پای این شریک دیرینش نیانجامد. در بهترین حالت برای رفسنجانی، مجمع جدید واقعا حکم شورای رهبری را خواهد یافت و بخشی از اختیارات خامنه‌ای را در دست خود متمرکز خواهد کرد، با این تفاوت که خامنه‌ای هر زمان که خواست می‌تواند حکم هفته گذشته خود را لغو کند و اختیاراتش را پس بگیرد، همان گونه که خمینی با فرماندهی کل قوا مسلح چنین کرد. اما تا وقتی چنین نشده است، حکم اخیر خامنه‌ای بدین معناست که او در تعیین سیاست‌های کلی، با مجمع تشخیص مصلحت مشورت خواهد کرد. خامنه‌ای گفته است که مجمع مزبور باید از نقش واکنشی صرف فراتر رود و با تشکیل یک دبیرخانه و گرفتن ابتکار عمل در تعیین موضوعات مورد بررسی، در سیاست‌گذاری فعال شود. آینده نشان خواهد داد که این روند تا چه حد تحقق خواهد یافت. در سال‌های اخیر، چندان خبری از مجمع تشخیص مصلحت نبود. به نظر می‌رسید در آرایش جدید نیروها پس از مرگ خمینی، نیاز چندانی به این مجمع نیست، چرا که اختلاف اکثریت «خط امامی» مجلس و کابینه با فقهای محافظه کار شورای نگهبان، نخست با کنار گذاشتن موسوی و ائتلاف رفسنجانی و رسالتی‌ها در دوره اول ریاست جمهوری او و سپس با اکثریت گرفتن رسالتی‌ها در مجلس، بلاموضوع شد. در سال‌های اخیر کمتر موردی پیش آمده است که مصوبات مجلس، در شورای نگهبان لغو شود، بلکه این ترکیب نمایندگان مجلس است که قبل از انتخابات توسط شورای نگهبان تعیین می‌گردد.

حال باید منتظر ماند و دید مجمع تشخیص مصلحت، بلافاصله نقش فعالی بر عهده خواهد گرفت یا نه. ایفای نقش فعال توسط این مجمع، بدین معناست که از این پس، رفسنجانی بیشتر به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت عمل خواهد کرد تا به عنوان رئیس جمهوری که مدت زیادی به اتمام دوره مسئولیتش نمانده است (همان گونه که در اواخر عمر خمینی، از رفسنجانی در جایی که به عنوان یکی از صاحبان اصلی قدرت عمل می‌کرد، بیشتر به عنوان «نماینده رهبر در شورای عالی دفاع» نام می‌بردند تا رئیس مجلس). اما اگر چنین نشود، یعنی مجمع تشخیص مصلحت، نقش فعال در تصمیم‌گیری‌ها به عهده نگردد، معلوم است که طرح دوباره این مجمع، تنها مفری برای «پارک کردن» رفسنجانی در دوره پس از ریاست جمهوری او بوده است.

در هر حالت، حکم جدید خامنه‌ای نشان داد که جناح‌های حکومتی از این پس نیز خواهند کوشید اختلافاتشان، «مصلحت نظام» را به خطر نیافکنند و وجه اشتراکشان که همانا حفظ قدرت و مقابله با مردم و نیروهای دمکراتیک است، تحت‌الشعاع قرار نگیرد.

انتخابات و کاندیداهای حکومتی

ادامه از صفحه اول

اسلامی (ساواما) که به عنوان کاندیدا برای جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی در انتخابات شرکت کرده است، طبرزدی، رجائی خراسانی و زواره‌ای نیز نامزدی خود را برای شرکت در انتخابات اعلام کرده‌اند.

با وجود برخی عقب‌نشینی‌های دولت

فنگران همچنان خواسته‌های خود را...

ادامه از صفحه اول
نام‌های هاشم کاملی ۵۲ ساله و غلام برزگر ۲۸ ساله، بر اثر شکنجه و شدت ضربات وارده از سوی مأموران رژیم، جان خود را از دست دادند.
در تظاهرات اسفند ماه کارگران نفت که در برابر ساختمان شرکت نفت برگزار شد، بنا به برخی از گزارش‌ها نزدیک به ۵۰۰۰ کارگر شرکت داشتند. علاوه بر کارگران نفت تهران نمایندگان کارگران پالایشگاه‌های آبادان، تبریز، اصفهان و اراک نیز در این تظاهرات شرکت داشتند و همین واقعیت بود که این تظاهرات را به تجلی اراده واحد کارگران نفت ایران بدل کرد و رژیم اسلامی را وحشت زده به واکنش خشونت آمیز و سرکوبگرانه کشاند. حکومت برای جلوگیری از ادامه اعتراضات کارگران و گسترش آن‌ها، به عقب‌نشینی‌هایی دست زده است. مطابق گزارش کمیته دفاع و پشتیبانی از مبارزات نفت‌گران ایران، دولت

وضعیت فلاکت‌بار کارگران

از زبان دبیرکل خانه کارگر

علیرضا محجوب:

- ارقام نشان می‌دهد که کارگران کشور به چه میزان غیرقابل قبول از حداقل متوسط زندگی فاصله گرفته‌اند
- قانون کار موجود، قانون کار حداقل هاست
- حقوق کارگران ما در مقایسه با سایر کشورها ناچیز است

روزنامه اخبار با علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر در مورد مسائل کارگری مصاحبه کرده است. در این مصاحبه او به برخی جنبه‌های زندگی فلاکت‌بار کارگران اعتراف نموده است. محجوب در این مصاحبه می‌گوید: «نتایج تحقیق به عمل آمده از یک جامعه آماری ۲۰۰ هزار نفری کارگران کشور که توسط وزارت کار و امور اجتماعی انجام شده، نشان می‌دهد که حقوق مبنای ۸۲ درصد از کارگران کشور (بدون اضافه کاری، پاداش و سایر دریافت‌ها) زیر ۳۵ هزار تومان در ماه است و تنها ۸ درصد از کارگران حقوق مبنای بیش از ۵۰ هزار تومان در ماه دارند.»
بگفته وی: «حدود ۴۰ درصد از کارگران حقوق مبنای ماهیانه زیر ۲۸ هزار تومان دریافت می‌کنند و این در حالی است که حتی با بدترین محاسبه‌ها نیز هزینه معیشت خانوار کارگری کمتر از ۵۰ هزار تومان در ماه نیست و در عین حال متوسط هزینه ماهیانه یک خانوار شهری از سوی وزارت کار در سال ۷۴ یکصد و ۱۷ هزار تومان برآورد شده است. در پیش‌بینی سازمان امور اداری و استخدامی نیز رقم مشابهی اعلام شده است.»

محجوب می‌گوید: «این ارقام نشان می‌دهد که کارگران کشور به چه میزان غیرقابل قبول از حداقل متوسط زندگی فاصله گرفته‌اند و روزبه‌روز این فاصله در حال افزایش است و بنا بر این ترمیم دستمزدها یک اقدام فوری و ضروری بشمار می‌آید.»

محجوب در مصاحبه با روزنامه اخبار در مقایسه حقوق کارگران ایران با سایر کشورها می‌گوید: «حقوق کارگران ما در مقایسه با کارگران سایر کشورها بسیار ناچیز است.» بگفته وی: «در حالی که بسیاری از واحدهای تولیدی کشور بارز ۳۰۰ تومان مواد اولیه مورد نیازشان را تامین می‌کنند، متوسط دریافتی کارگران در کشور حدود یکصد دلار است اما در کشورهای اروپایی و حتی کشورهای آسیای جنوب شرقی مزد یک ساعت کارگر ساده بالای ۵ دلار پرداخت

نامه سندیکای ت-ر - ت به هاشمی رفسنجانی

سندیکایی و احترام به حق اعتصاب را مورد تصویب قرار دهد. در این خصوص شما قدرت آن را دارید و نیز وظیفه شما می‌باشد. ما به مسئولین کشور فرانسه در این زمینه هشدار می‌دهیم و از آنان تقاضا می‌کنیم که در باره مداخله نمایند. ما به مزدبگیران صنایع ما، بویژه در صنایع بزرگ پتروشیمی اطلاع می‌دهیم که آنان از رهبران کمپانیهای نفتی - که در عمل از این حقوق حمایت می‌کنند - بخواهند که این حقوق در همه کشورها احترام گذاشته شود.

با احترامات فائقه ژرژ اروو. دبیرکل فدراسیون صنایع شیمیایی ۱۴ مارس ۱۹۹۷

افزایش دستمزد، خواست مبرم کارگران

کارگران و خانواده‌هایشان رقم زده است.

کارگران با علم به آنکه گشودن زبان به اعتراض، در جمهوری اسلامی به منزله اعلان جنگ به ماشین سرکوب چپ‌نمی‌این رژیم است، راه مبارزه را در پیش می‌گیرند.

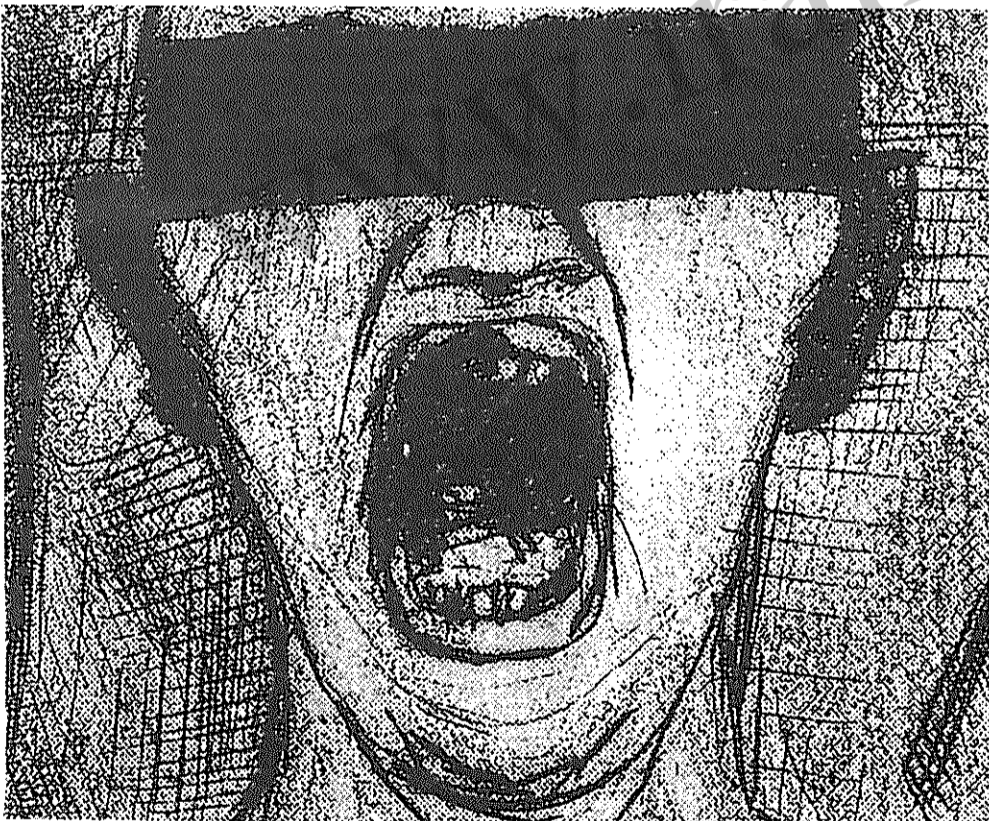
مبارزه کارگران ایرانی برای کاستن از ابعاد محرومیتشان، مبارزه‌ای در خدمت پیکار برای دمکراسی در ایران است. هیچ نظامی بدون وجود تشکلهای مستقل طبقه کارگران، بدون برخورداری کارگران از حقوقی مانند حق اعتصاب، قراردادهای جمعی و انطباق یافتن دستمزدها با نرخ تورم، واقعاً دمکراتیک نیست. سرمایه، بدون تشکل مستقل کارگران و بدون بهره‌مندی آنان از سلاح اعتصاب، به خواسته‌های برحق کارگران تن نمی‌دهد. و اگر خواسته‌های برحق اقتشار مردم و از جمله کارگران تحقق نیابد، هیچ نظامی از سوی آنان به عنوان نظامی متکی بر اراده خودشان به رسمیت شناخته نخواهد شد.

فدراسیون ملی صنایع شیمیایی فرانسه (ت-ر-ت) به نمایندگی از جانب مزدبگیران خشم خود را در باره تجاوز دولت شما به حقوق بشر و مزدبگیران نفت که جهت مطالبات خود در حال اعتصاب‌اند، ابراز داشته و شدیداً بدان اعتراض می‌کند. شما باید به اختناق پایان دهید و مزدبگیران زندانسی را آزاد کنید. دولت شما بایستی مقاله‌نامه‌ها و قراردادهای امضا شده در سال ۱۹۷۶ را برآورد اجرا گذاشته و با اجرای مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار که کشور شما آنرا امضا کرده است، با نمایندگان مزدبگیران مذاکره نماید. دولت شما می‌بایستی مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار را در باره آزادیهای

قدرت خرید خانوارهای کارگری برای تهیه خوراک، مسکن، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش، امروز ثلث حد آن در بدو انقلاب است. و فراموش نکنیم که در همان زمان نیز کارگران خانواده‌هایشان، از امکان تهیه بسیاری از کالاها و خدمات محروم بودند و امید به داشتن زندگی بهتر، از انگیزه‌های اصلی آنان برای شرکت در مبارزه علیه رژیم شاه بود. اکنون، یک خانوار کارگری تنها قادر به تهیه یک سوم از مایحتاجی است که در سال ۱۳۵۷ می‌توانست هزینه آن را پرداخت کند. بسنده کردن به قوت لایموت کوینی و سوسپیدی و محروم ماندن از تغذیه سالم، زندگی در فضای هر چه تنگ‌تر و بیم دائم از افزایش اجاره‌بها و حکم تخلیه، فرستادن فرزندان به کار به جای مدرسه، محروم بودن از هر گونه امکان تفننی و بالاخره مُردن از یک بیماری ساده به علت بی‌بضاعتی، سرنوشت محتومی است که این روند، برای

افزایش دستمزد، خواست مبرم کارگران

ادامه از صفحه اول



جلسه مناظره

برای بررسی زمینه، دلائل و روند روابط فیمابین و سرنوشت سیاست «دیالوگ انتقادی»، بنیاد «هاینریش بل» جلسه مناظره‌ای بین ابوالحسن بنی‌صدر، روپرشت پولتز عضو حزب سوسیال مسیحی، فرایموت دووه عضو حزب سوسیال دمکرات و آلمک دیترت - شویر عضو حزب سبزها در تاریخ دوشنبه ۱۴ آوریل - ساعت ۱۹/۳۰ در شهر بن برگزار خواهد شد. مکان: Heussallee 18 - 24

ادامه می‌دهد: «قانون منع اخراج کارگران توسط کارفرمایان که بسیاری از کارفرمایان نسبت به آن معترض هستند در سال ۱۹۴۹ در قوانین کار دنیا مطرح شد در حالی که در کشور ما این قانون در سال ۱۹۹۰ یعنی حدود ۴۰ سال بعد به تصویب رسید، آیا گذشت این فاصله چهل ساله برای کشور ما کافی نبوده است و یا شاید کارفرمایان می‌خواهند فاصله چهارصد ساله میان تصویب این قانون در کشور ما برقرار باشد و یا مایل هستند دوباره روابط ارباب و رعیتی بر روابط کاری حاکم شود.»

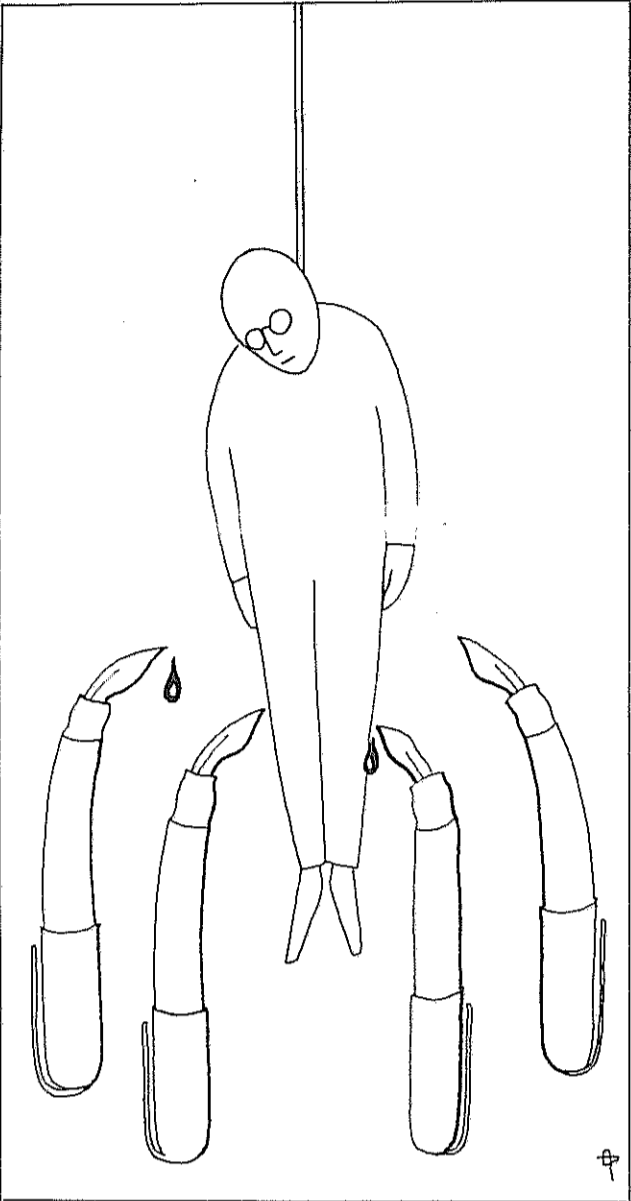
رفسنجانی مشاور ارشد خامنه‌ای شد

ادامه از صفحه اول

عنوان نایب رئیس آن انتخاب گردید، مورد بررسی قرار گرفت. خبرگزاری فرانسه در ارتباط با انتصاب رفسنجانی به ریاست مجمع گفت: این انتصاب به رفسنجانی امکان می‌دهد که مقام خود را به عنوان فرد دوم مملکت حفظ کند. مفسر این خبرگزاری تأکید کرد که رفسنجانی با در دست گرفتن ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام عملاً به سمت مشاور ارشد رهبری منصوب شده است. بخش فارسی رادیو «بی. بی. سی» در تفسیر خود از محدودیت‌هایی که رفسنجانی با آن روبروست سخن گفت و اظهار کرد اگرچه رفسنجانی به پست پر قدرتی دست یافته است ولی کارایی او محدود خواهد بود. زیرا در این مجمع روحانیون محافظه کار سنتی (رسانتی‌ها) از اکثریت برخوردارند و

تعداد دیگری از اعضای مجمع به جناح تندرو (مجمع روحانیون مبارز و حزب الله) تعلق دارند. مجمع تشخیص مصلحت نظام اگرچه در قانون اساسی نخست جمهوری اسلامی پیش‌بینی نشده بود اما از ده سال پیش وجود دارد. این مجمع را خمینی در بهمن ماه سال ۶۶، برای فرونشاندن اختلافات بین شورای نگهبان با مجلس و دولت که میرحسین موسوی ریاست آن را برعهده داشت، برپا کرد. در آن زمان رسانتی‌های امروز که جناح مخالف را به عدم «التزام عملی و قلبی» به ولی فقیه (خامنه‌ای) متهم می‌کنند، مخالف «حکم حکومتی» بودند و مصوبات مجلس را در شورای نگهبان وتو می‌کردند. یزدی، مهدوی کتی، امامی کاشانی و سایر رسانتی‌ها قبول نداشتند که دولت

اسلامی بخشی از حکومت اسلامی است و حکومت اسلامی به رهبری خمینی جزئی از «ولایت مطلقه نبی اکرم»، بحران، رژیم را چنان در مانده ساخته بود که رفسنجانی در حضور نمایندگان مجلس و اعضای شورای نگهبان که در جماران گردهم آمده بودند، خطاب به خمینی گفت: ما نیاز به دخالت و کمک صریح جنابعالی داریم. غیر از شخص جنابعالی هیچ‌کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل کند... امروز اگر جنابعالی به داد این ملت نرسید و مشکلات قانون‌گذاری را حل نفرمایید، ما نمی‌دانیم که در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام دهد. خمینی که بیش از مابشران خود از ناتوانی رژیم در برابر الزامات اداره کشور باخبر بود،



۸۶ نفر در اثر سقوط هواپیمای نظامی

در مشهد کشته شدند

روز پنجشنبه ۲۴ اسفند هواپیمایی که با ۸۶ سرنشین از شهر دزفول عازم مشهد بود در اطراف نیشابور سقوط کرد و همه سرنشینان آن کشته شدند. سرنشینان این هواپیمای نظامی از نوع هرکولس سی - ۱۳۰ مقامات بلند پایه سپاه پاسداران، نیروی زمینی، نیروی هوایی و اعضای خانواده آنها بودند. بر اساس گزارش خیرگزاری فرانسه ۸ تن از کشته‌شدگان از افراد سپاه، ۴۷ نفر از افسران و درجه‌داران نیروی زمینی و هوایی، ۲۲ نفر از افراد واحد تدارکاتی و تکنیکس، ۸ خلبان و خدمه هواپیمای و بقیه اعضای خانواده‌های افسران بودند. طبق گزارش خیرگزاری جمهوری اسلامی، نیروی هوایی بلافاصله پس از آگاهی از حادثه، ستاد ویژه‌ای را

وزارت اطلاعات و انتخابات ریاست جمهوری

وزارت اطلاعات در این زمینه به برخی روزنامه‌ها نیز کشیده شده است. روزنامه عصر، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مقاله‌ای به تاریخ ۱۶ اسفند پیرامون اظهارات فلاحیان وزیر اطلاعات در حمایت از ناطق توری نوشته است: «اخیراً در خیرها آمده بود که وزیر محترم اطلاعات در سفر به استان‌های مازندران و یزد، در جمع عده‌ای از روحانیون آن دو استان، به نحوی حمایت خود را از کاندیدای جناحی خاص برای انتخابات ریاست جمهوری آینده اعلام داشته است... اقصا و وسیعی از مردم که طرفدار سایر نامزدها غیر از کسی که وزیر محترم اطلاعات از وی حمایت کرده است، هستند دیگر این وزارتخانه حساس را بیطرف محسوب نخواهند کرد».

در جمهوری اسلامی دخالت ارگان‌های دولتی در انتخابات امر جدیدی نیست. مدتی پیش از برگزاری هر انتخابات کشمکش بین جناح‌های حکومتی بر سر کسب کنترل و نفوذ بیشتر در ارگان‌های مربوطه بویژه وزارت کشور و صدا و سیما حدت می‌یافت. اما وزارت اطلاعات از این امر مستثنی بود. نقش وزارت اطلاعات سرکوب همه مخالفان و فراهم کردن جو آرام برای برگزاری انتخابات بود. دور اخیر انتخابات ریاست جمهوری همراه است با دخالت آشکار وزارت اطلاعات در حمایت از ناطق توری به گونه‌ای که با وجود هراسی که از این ارگان و مسئولین آن در میان حکومتیان و نزدیکان به حکومت وجود دارد، اعتراض به عملکرد

بررسی نتایج انتخابات میان دوره‌ای مجلس

مورد حمایت تشکیل‌های اسلامی همسو و ۶ نماینده منفرد هستند. عصر ما نتیجه گرفته است که گرایش سیاسی غالب در حوزه‌های انتخابیه در مخالفت با گرایش سیاسی جناح غالب است. نشریه عصر ما ضمن تشریح موارد رد صلاحیت‌ها و ابطال برخی حوزه‌ها به نمونه اصفهان اشاره کرده است که هیات نظارت پس از خودداری داوطلب به پاسخ‌گویی به برخی سوالات درباره شکایت نماز، تنها پس از اعتراض عمومی، نسبت به رد صلاحیت وی حاضر به عقب‌نشینی شد. نشریه عصر ما در پایان نوشته است: «تجربه اصفهان ثابت کرد که اگر گروه‌های اجتماعی و سیاسی بتوانند با تجمع قوای خود و البته در چارچوب قوانین، حقوق خویش را مطالبه کنند، به خوبی قادر به مقابله با تنگ‌نظری‌ها و سرخوردگی‌های انحصارطلبانه یک جناح خواهند بود».

اجرای چند آهنگ فارسی و بلوچی پرداخت که مورد توجه حاضران قرار گرفت. بعد، کارل یوران به معرفی شاعران معاصر ایران، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد پرداخت. در پی آن کورین کنوتسون (هنرپیشه) چند شعر از فروغ فرخزاد خواند و سپس «پسر میربری» و آذر محلوچیان (مترجم کتاب عشق عمومی - از شاملو به سوئدی) شعرهای شاملو را به فارسی و سوئدی قرائت کردند. در قسمت بعد «مارگارتا بی‌استروم» پیام رضا برهانی را که از کانادا به «نامه‌های فارسی» فرستاده بود به همراه چند شعر از او قرائت کرد. آرنه روت از مبارزه‌ی ایرانیان و مقیم سوئد در دفاع از آزادی بیان و آزادی فرج سرکوهی صحبت کرد. او گفت که ایرانیان بعد از فنلاندی‌ها با شصت و سه هزار نفر بزرگ‌ترین اقلیت خارجی ساکن سوئد هستند و آشنائی هرچه بیشتر با فرهنگ این اقلیت از طریق ارتباط با نویسندگان و

به نقل از:

کتابخانه

آخرین خبر!

سردبیر مجله‌ی آدینه که پس از چند هفته ناپیدی پیدا شده و پس از مدتی پیدا شدن دوباره ناپدید گردیده و در دوران ناپیدی اخیر، یک بار دیگر پیدا و مجدداً ناپدید شده‌بود، بالاخره پس از آخرین ناپیدی، یک بار دیگر پیدا و دوباره و سپس بار دیگر پیدا شد.

× × ×

در لحظاتی که مجله به چاپخانه فرستاده می‌شد، اطلاع یافتیم که وی پس از پیدا شدن اخیر، یک بار دیگر ناپدید و پس از چندی مجدداً پیدا و به محض پیدا شدن دوباره ناپدید و سپس باز هم پیدا شده‌است. اکنون که شما در حال خواندن این خبر هستید، عده‌ای می‌گویند وی دو باره ناپدید، اما عده‌ای دیگر عقیده دارند که مجدداً پیدا شده‌است. بقیه اخبار مربوط به تازه‌ترین اطلاعات در باره‌ی پیدا شدن وی در شماره‌ی آینده!

«گردن شکسته»

نامه‌های فارسی

در همبستگی با فرج سرکوهی

فرهنگی پرتیراژترین و معتبرترین روزنامه‌ی صبح سوئد، داگنز نی‌هتر از فرج سرکوهی صحبت کرد. او در سخنرانی سرکوهی را با واسلاو هاول مقایسه کرد، اینکه هر دو در زیر سیطره‌ی نظام‌های توتالیتر برای آزادی بیان و در دفاع از مطبوعات مستقل مبارزه کرده‌اند. در رابطه با اینکه چرا رژیم ایران فرج سرکوهی را انتخاب کرده است. آرنه روت به بخشی از نامه‌ی تکان‌دهنده‌ی سرکوهی اشاره کرد که گفته بود او را می‌خواهند قربانی دادگاه برلین کنند. او را گرفته‌اند تا از دادگاه برلین باج‌خواهی کنند. وی کمی هم درباره‌ی دادگاه می‌کویوس صحبت کرد. بعد از آرنه روت نوبت به علی سرکوهی برادر فرج که ساکن سوئد است، رسید. علی نامه‌ی را که خطاب به برادر اسپرش نوشته بود، خواند. او از خاطرات دوران کودکیش با فرج نوشته بود، از دورانی که فرج در زندان‌های مختلف شاه بود و از فشارها و بازداشت‌های مکرر او در دوران جمهوری اسلامی حرف زد. او نامه‌اش را با جمله‌ی «برادر، نمی‌دانم در سوگ تو بنشینم یا در سوگ زمانه» هم آغاز کرد و هم به پایان برد. بعد از آن صدای غمگینانه‌ی هوشنگ گلشیری از تهران بود که از بلندگوهای سالن پخش شد. او برای «نامه‌های فارسی» تلفنی پیام فرستاده بود. ترجمه‌ی پیام او را آرنه روت قرائت کرد. گلشیری در پیامش خواهان

روز شنبه پانزدهم مارس به دعوت کانون نویسندگان سوئد، انجمن قلم سوئد، اتحادیه‌ی روزنامه‌نگاران سوئد، اتحادیه‌ی ناشران سوئد و سازمان عفو بین‌الملل، مراسم باشکوه‌ی تحت عنوان «نامه‌های فارسی» و در همبستگی با فرج سرکوهی در «دراما تئاتر» شهر استکهلم با حضور دوستان و پنجاه نفر برگزار گردید. شرکت‌کنندگان عمدتاً سوئدی بودند. مجری برنامه که کارل یوران اکروپالد نویسنده‌ی سوئدی بود، ابتدا در مورد شعر و ادبیات فارسی صحبت کرد. او گفت «شاید از خودمان بیرسیم ما را چه به ادبیات فارسی؟» بعد توضیح داد که سوئد بخشی از اروپاست و ادبیات اروپائی در قرون گذشته مدیون شاعرانی هم‌چون حافظ، عمر خیام، مولوی، سعدی، فردوسی و باباطاهر بوده است. در همین رابطه به گوته اشاره کرد که با چه شوقی دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرده است و بعداً از کسانی چون توماس مان، جیمز جویس، ساموئل بکت و در کشور سوئد از گوتار اکولوف و گولبرگ اسم برد که آثار شاعران ایرانی را ترجمه کرده‌اند و یا اینکه از آنها تأثیر پذیرفته‌اند. در ادامه‌ی برنامه چند هنرپیشه‌ی سوئدی شعرهایی از حافظ و خیام را قرائت کردند که با استقبال حاضران مواجه شد. سپس آرنه روت سردبیر بخش

رفسنجانی خواهان تغییر مواضع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی شد

روز یکشنبه این هفته کنفرانس اسلامی اسلام‌آباد با شرکت نمایندگان ۵۴ کشور مسلمان در این شهر برگزار شد. در حالی که به گزارش آسوشیتدپرس بسیاری از کشورهای عربی به خاطر اختلافات خود با جمهوری اسلامی از فرستادن بالاترین مقامات خود به پاکستان خودداری کردند، از طرف جمهوری اسلامی شخص رفسنجانی رئیس جمهور رژیم به این کنفرانس اعزام شد. هاشمی رفسنجانی در جریان این سفر در روز یکشنبه این هفته مصاحبه‌ای نیز با شبکه تلویزیونی سی.بی.اس. CBS

آمریکا انجام داد. وی در این مصاحبه بار دیگر آمریکا را به تغییر مواضع در قبال جمهوری اسلامی فراخواند و از حکومت آمریکا خواست که برای کسب اعتماد رژیم اسلامی به اقدامات حسن‌نیت دست زند و به عنوان یکی از نخستین این اقدامات از آزادسازی سپرده‌های مالی ده میلیارد دلاری ایران در این کشور نام برد. رفسنجانی در پاسخ به این سؤال که چرا رژیم متبوعش در روند صلح خاورمیانه اخلال ایجاد می‌کند، اظهار داشت که ما با این سازش مخالفت نکرده‌ایم و تنها گفته‌ایم که این صلح را

عادلان نمی‌دانیم و گفته‌ایم که موفق نمی‌شود چونکه مسئله‌ی آوارگان را حل نکرده است. وی در این مصاحبه بار دیگر حمایت رژیم را از تروریسم بین‌المللی انکار کرد و ادعا کرد که جمهوری اسلامی تروریست‌پرور نیست و خود قربانی تروریسم بوده و متحمل زیان‌های گسترده‌ای شده است. رفسنجانی در عین حال لاف در غریبی زد و ادعا کرد که در زمان ریاست جمهوری وی، ایران به پیشرفت‌های عظیم اقتصادی نائل شده است و مشکلات اقتصادی در سطح

کارد هیچگاه دسته‌ی خود را نبرد

«امروز پنجشنبه ۷۵/۶/۸ ساعت ۱۳/۱۰ در چهارراه آبرسانی تبریز یک مأمور انتظامی یک دختر شانزده هفده ساله را با یک پسر در همین سن و سال دستگیر کرد. نکته‌ی مهم اینکه این مأمور اولاً از دست و موی دختر گرفته بود و ایشان را کشان کشان به طرف ماشین می‌برد. ثانیاً جلوی حدود ۵۰ نفر از مردم دیگر به جان این پسر افتاده بود و در خیابان ایشان را کتک می‌زدند. شماره‌ی ماشین ... پلاک نظامی متأسفانه به علت ازدحام نام مأمور را نتوانستیم ببینیم. از نظر عرف و قانونی این پسر هر جرمی را که مرتکب شده بود، در نظر مأمور یک مظنون بود نه بیشتر چراکه اثبات جرم در شان مأمور نیست (به عنوان قاضی) آیا مأمور حق دارد بچه

مردم را کتک بزند یا دو دست سرش را به در و شیشه‌ی ماشین بزند و با لگد داخل پیکان بکند؟ صحنه را تجسم کنید: یک پسر ۱۶، ۱۷ ساله در مقابل یک مأمور ۳۶، ۳۵ ساله با بی‌سیم و کلت و ... بر فرض مقاومت هم، یک بچه‌ی خوف‌کرده از هیبت یک مأمور چه کاری می‌توانست انجام دهد. از نظر شرعی، آیا انجام یک منکر یعنی دست بردن مردی به موی ناموس مردم در مقابل انتظار مردم برای جلوگیری از یک منکر دیگر - حرف زدن یک دختر و پسر - در خیابان جایز است؟ من به این دختر و پسر را می‌شناسم و نه با این مأمور انتظامی کینه‌ی دارم (دادند) که پس از صدور رأی قضایی متهمین روانه‌ی زندان گردیدند».

بهبود نبوی: اگر صلاحیت مرا رد نمی‌کردند حتماً کاندیدا می‌شدم

حضرت امام راحل را نمی‌پسندیم ... به عنوان مثال حضرت امام در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی یک هیئت سه نفره برای حل مسئله‌ی کردستان تعیین کردند. بنده و بسیاری از کسانی که اکنون ادعای خط امامی بودن می‌کنیم با این کار مخالف بودیم ولی این به معنای ضد ولایت قیامه بودن نیست. ولی خط امامی بودن ما را کم رنگ می‌کند و نشان می‌دهد در تمام زمینه‌ها مثل حضرت امام فکر نمی‌کردیم... خط امامی بودن یک اعتقاد سیاسی است و غیر از تابع بودن ولی قیامه می‌باشد،»

بود که «ما ادعا می‌کنیم بسیاری از مواضع ما به مواضع امام راحل نزدیک بود. وی در این اجلاس هم چنین گفته بود در صورتی که صلاحیتش را در جریان انتخابات دوری پنجم مجلس رد نمی‌کردند در انتخابات ریاست جمهوری حتماً کاندیدا می‌شد. نبوی در ضمن معرفی کاندیدا از سوی نهضت آزادی را نیز بسیار مفید و حذف احتمالی کاندیدای این جریان سیاسی توسط شورای نگهبان را به ضرر نظام دانسته بود. رسالت در مقابل با آوردن نقل قولی از خمینی که در آن بر عدم

جذاب‌ترین کمیسیون مجلس کدام است؟

کمیسیون زنان به تابلوی اعلانات مجلس نصب شده بود، به‌فاصله‌ی چند ساعت و تا ظهر آن روز حدود ۶۰ نفر از مجلسیان آن را امضاء کرده بودند. از آنجا که طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس حداقل نیمی از اعضای کمیسیون مذکور را باید نمایندگان زن تشکیل دهند و حتی اگر تمامی زنان حاضر در مجلس نیز داوطلب عضویت در این کمیسیون باشند تعدادشان به پانزده نفر نمی‌رسد، قاعدتاً آقایان خواهان عضویت در کمیسیون زنان، جوانان و خانواده‌ی مجلس، رقابت سختی را در پیش خواهند داشت.

پایان زایی، عامل مهاجرت روستائیان

دکتر پرویز کردوانی استاد دانشگاه تهران و سرپرست مرکز تحقیقات کویری و بیابانی اخیراً اظهار داشت که وجود نوعی سطحی‌نگری در برخورد با مسائل روستائیان موجب شده است که اغلب اقدام‌های انجام‌شده به‌قصد جلوگیری از مهاجرت روستائیان، نتیجه‌ی مخالف با اهداف اولیه داشته باشد. وی به عنوان نمونه از طرح تجمیم روستاها نام برد و گفت: به‌جای تمرکز کلیه خدمات رفاهی و اجتماعی در یک نقطه، بهتر است این خدمات در یک منطقه‌ی روستایی به‌طور مساوی تقسیم شود، تا بافت سنتی و تولیدی روستاها همچنان حفظ شود. بی‌توجهی جمهوری اسلامی به ضرورت ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی در روستاها، مهاجرت سریع روستائیان به شهرها را

روزنامه‌ی سلام در شماره‌ی ۱۱ اسفند ماه خود در بخش نامه‌های سردبیری نامه‌ی یک دانشجوی تبریزی را که در شهرپورماه در اعتراض به نحوه‌ی برخورد مأموران انتظامی نوشته شده است پس از چند ماه تأخیر و به دنبال ارسال آن نامه به پاسخی از آن‌ها مبتنی بر بلامانع بودن درج نامه و پاسخ آن، چاپ کرده است. سلام در مقدمه‌ی بر این موضوع فاش ساخته است که براساس بخش‌نامه‌ی که برای مطبوعات صادر شده است، آنان از چاپ نامه‌هایی از قبیل آنچه که در دستور زیر می‌آید منع شده‌اند و متدیریت بازگانی دانشگاه مقامات انتظامی مجاز به درج چنین مطالبی می‌باشند. این دانشجوی تبریزی می‌نویسد:

روزنامه‌ی رسالت در یکی از شماره‌های اسفندماه خود با تیر کردن بخشی از سخنان بهزاد نبوی که در لابلای سخنان خود در جمع انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت بازگانی دانشگاه تهران از جمله گفته بود که «برخی از مواضع حضرت امام را نمی‌پسندیم» حملات سازمان‌یافته‌ی خود را به وی و جناحی که او منتسب به آن است، ادامه داد.

بهبود نبوی در سخنرانی خود گفته بود: «بنده نمی‌توانم ادعا کنم صد در صد خط امامی هستم، برخی از مواضع

شواهد نشان می‌دهد که کمیسیون زنان، جوانان و خانواده‌ی مجلس که تشکیل آن اخیراً در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، پرچم‌بازترین کمیسیون آن می‌باشد. این در حالی است که تعداد داوطلبان بسیاری از کمیسیون‌های تخصصی مجلس به زحمت از حداقل حدنصاب تعیین شده تجاوز می‌کند. خبرنگار روزنامه‌ی سلام از مجلس گزارش داده است که در ساعات اولیه‌ی اداری روز ۷ اسفند ماه هنگامی که اطلاعیه‌ی اداری قوانین مجلس شامل درخواست امضای داوطلبان عضویت در

خبرهای کوتاه

۱۰۰،۰۰۰ کودک ایرانی سوءتغذیه دارند

پروفیسور لیم مشاور منطقه‌ی سازمان ملل متحد اخیراً بر مبنای آمارهای دقیق تهیه شده‌ی این سازمان اعلام کرده که هنوز ۴۰ درصد کودکان زیر ۵ سال ایرانی دچار کم‌وزنی می‌باشند و از میان آنها ۴/۱ میلیون تن از سوءتغذیه رنج می‌برند. این در حالی است که مقامات وزارت بهداشت رژیم جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند که شاخص‌های بهداشتی و تغذیه‌ی کشور در جهت مثبت تغییر چشمگیری یافته است.

۱۱ میلیارد ریال خسارات زلزله اردبیل

خلیل آقایی رئیس سازمان جهاد سازندگی اردبیل اعلام کرد که میزان خسارات زلزله‌ی اخیر این استان به تأسیسات خدماتی و دامی و احشام روستاییان، ۱۱۰ میلیارد ریال بوده است. از این مقدار، مبلغ ۸۱/۵ میلیارد ریال به تخریب ۱۱ هزار و ۲۹ واحد نگهداری احشام و از بین رفتن ۱۶۰ هزار رأس دام مربوط بوده است. به گفته‌ی وی ۲۸/۵ میلیارد ریال بقیه مربوط به خسارات وارده به تأسیسات آب آشامیدنی ۵۵ روستا، ۳۵ حمام روستایی، ۳۵۰ کیلومتر خطوط برق فشار ضعیف و ۳۰۰ راه روستایی بوده است.

مدارس «غیرانتفاعی» رشد می‌کنند

معاون «مشارکت‌های مردمی و امور مدارس غیرانتفاعی» وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی هفته‌ی گذشته اعلام کرد که در حال حاضر ۷۰۰ هزار دانش آموز در مدارس غیرانتفاعی کشور تحصیل می‌کنند. این رقم ۳/۵ درصد کل دانش آموزان را شامل می‌شود. به گفته‌ی این مسئول وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش، قرار است این نسبت تا پایان برنامه دوم، به پنج درصد برسد.

بازنشستگی پیش‌رس زنان کارگر

مجلس شورای اسلامی در یکی از آخرین جلسات خود در سال گذشته‌ی شمس طرح بازنشستگی پیش از موعد زنان کارگر را دریافت کرد در این طرح پیش‌بینی شده است که زنان کارگر که کارهای سخت و زیان‌آور انجام می‌دهند، بتوانند با داشتن ۲۰ سال سابقه کار، با تمام حقوق و مزایا بازنشسته شوند. سایر زنان کارگر در صورت دارا بودن ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه کار طبق سنوات کاری بازنشسته می‌شوند. هنوز مشخص نیست که مجلس رژیم چه موقع رسیدگی به این طرح را در دستور خود قرار خواهد داد.

تأسیس دانشگاه استعدادهای درخشان

در جلسه‌ی که هفته‌ی گذشته با شرکت هاشمی گلپایگانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی رژیم و چند تن دیگر از مسئولان این وزارتخانه و وزارت آموزش و پرورش تشکیل شد، طرح تأسیس دانشگاه استعدادهای درخشان، با ضوابط خاص مورد تأیید قرار گرفت. در این راستا قرار است دوره‌ی دکتری پیوسته در رشته‌های علوم پایه و انسانی برای استعدادهای درخشان دایر شود و به آنها اجازه‌ی تحصیل هم‌زمان در دو رشته‌ی تحصیلی در مقطع لیسانس داده شود.

ایران عضو بانک توسعه‌ی اسلامی شد

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از ریاض اعلام کرد که جمهوری اسلامی اخیراً عضو موسسه‌ی بیمه‌ی اعتباری بانک توسعه‌ی اسلامی شده است. به این ترتیب ایران شانزدهمین کشوری است که به عضویت شرکت بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبار صادراتی پذیرفته شده است. این شرکت در سال ۱۹۹۴ توسط بانک توسعه‌ی اسلامی برای ارائه‌ی بیمه‌ی اعتباری صادراتی به اعضاء در برابر خطرات غیر تجاری تأسیس شده است. مقر این بانک، شهر جدّه در عربستان سعودی می‌باشد.

ایجاد بانک اطلاعاتی آمار آموزش عالی

دکتر فرهاد دانشجو رئیس موسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی اعلام کرد که این موسسه یک بانک اطلاعاتی از آمارهای مربوط به آموزش عالی ایران و اعضای هیئت علمی کشور ایجاد کرده است که آن را از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی بصورت رایگان در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. این بانک شامل اطلاعات مربوط به دانشجویان از قبیل تعداد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به تفکیک نوع مرکز آموزشی، دوره، رشته، گروه عمده، تفکیک استان محل تحصیل، جنس و مقطع تحصیلی آنان و اطلاعات مربوط به کادر آموزشی تمام وقت و حق‌التدریسی به تفکیک دانشگاه و همچنین شاخص‌های توزیع تعداد دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و کادر آموزشی می‌باشد. مقایسه‌ی آمار آموزش عالی در سال‌های ذکر شده از نقطه نظر شاخص‌های یاد شده، بودجه‌های مصوب به تفکیک هر دانشگاه و اطلاعات مربوط به دوره‌های شبانه و دوره‌های معادل و دانشجویان خارجی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ نیز از جمله اطلاعات این بانک است. بانک اطلاعات اعضای هیئت علمی نیز حاوی اطلاعاتی همچون نام و مشخصات، آخرین مدرک و سال اخذ آن، عنوان دانشگاهی، سال استخدام و محل خدمت کلیه اعضای هیئت علمی کشور به تفکیک ۴۷۶ رشته تحصیلی می‌باشد.

ادامه‌ی خط اتوبوس برقی میدان شوش

هفته‌ی گذشته مرحله‌ی دوم طرح اتوبوس برقی تهران که از میدان امام حسین تا تقاطع بعثت امتداد دارد گشایش یافت. یک خط تندرو از میدان امام حسین تا میدان خراسان نیز پیش‌بینی شده است که قرار است بدون توقف مسافران را از میدا به مقصد برساند. محمدعلی ترفع مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مراسم افتتاح، از راه‌اندازی خط سوم اتوبوس برقی در محدوده‌ی میدان شوش تهران خبر داد و گفت: سال آینده امکان نصب و راه‌اندازی این خط با انتصاب از خیابان ۱۷ شهریور و تقاطع بعثت فراهم و برای بهره‌برداری آماده خواهد شد.

خطر بروز سیلاب‌های ویرانگر بالاست

محمدعلی آراسته مدیرکل حفاظت محیط زیست استان زنجان هفته‌ی گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که فرسایش خاک در ارتفاعات و شیب‌های تند، خطر بروز سیلاب‌های ویرانگر را افزایش داده است. وی با اشاره به نقش حفاظتی و تأثیرات ریشه‌ی درخت و گیاه در حفاظت از بافت خاک و رطوبت آن که باعث رویش گیاهان دیگر و جلوگیری از فرسایش خاک و جدا شدن

خطر بروز سیلاب‌های ویرانگر بالاست

محمدعلی آراسته مدیرکل حفاظت محیط زیست استان زنجان هفته‌ی گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که فرسایش خاک در ارتفاعات و شیب‌های تند، خطر بروز سیلاب‌های ویرانگر را افزایش داده است. وی با اشاره به نقش حفاظتی و تأثیرات ریشه‌ی درخت و گیاه در حفاظت از بافت خاک و رطوبت آن که باعث رویش گیاهان دیگر و جلوگیری از فرسایش خاک و جدا شدن

پیروزی دانشگاه آزاد بر دانشگاه‌های دولتی

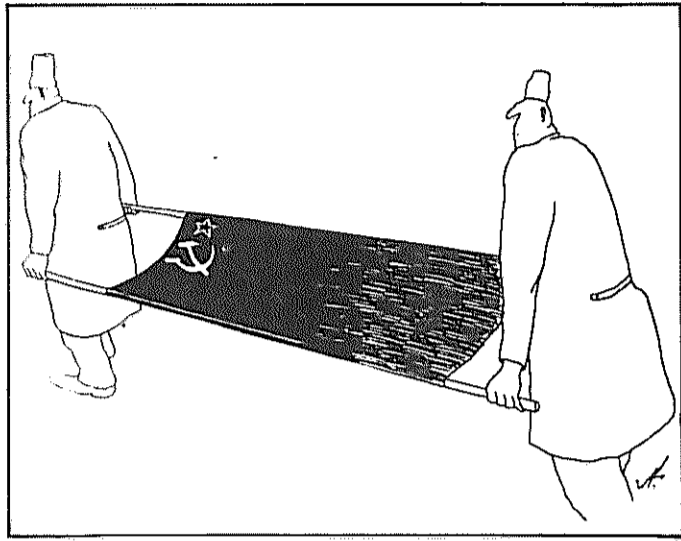
با عدم تصویب طرح ممنوعیت تأسیس و اداری دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی بالاتر از لیسانس در مجلس شورای اسلامی، امید وزارت آموزش عالی رژیم و دانشگاه‌های دولتی برای ممانعت از تقلیل بیشتر کیفیت آموزش سطوح بالاتر دانشگاهی نقش بر آب شد. در آستانه‌ی بررسی این طرح در مجلس ۱۲ تن از رؤسای دانشگاه‌های تهران با ارسال نامه‌ی به نمایندگان مجلس از آنان خواسته بودند که با این طرح موافقت نمایند. در این نامه آمده است: «متأسفانه در سال‌های اخیر با متعدد شدن برنامه‌ها، سیاست‌ها و مراکز تصمیم‌گیری و اجراء در امر آموزش عالی و محدود گردیدن اختیارات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نظام چندگانه و چندپارته‌ی بر آموزش عالی و پژوهش کشور مستولی گردیده که بی‌امدهای آن گرایش به مدرک به جای دانش در

نگاهی به کتاب

«شکست حزب کمونیست شوروی و نتایج آن»

از انتشارات مدرسه حزبی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

هلموت پترز از ماهنامه سوسیالیسم فوریه ۱۹۹۷ برگردان: ع. بهار



می‌باشد. نویسندگان کتاب در رابطه با پروسه اقتصادی این نظر را نمایندگی می‌کنند که: بعد از انقلاب اکتر به خاطر اشغال نظامی و بایکوت و پس از آن خطر جنگ، یک سیستم مرکزی و قدرتمند را ضروری نمود تا بتوان کشور را صنعتی نموده و توان آن را سریعاً افزایش داد. چنین سیستمی کاملاً نقش مثبتی را تا سازندگی اقتصادی کشور بعد از جنگ جهانی دوم ایفا نموده است. شوروی در این دوره نه تنها اقتصادش سریع‌تر از کشورهای سرمایه‌داری غربی (ضریب آن سالانه از ۴۰-۱۹۳۰ به طور متوسط ۵/۱۶٪ بود) رشد نمود بلکه به عنوان کشور عقب مانده کشاورزی توانست در همین دوره زمانی تبدیل به دومین «ابر قدرت» جهانی شود.

طریق رفرها رشد اقتصادی را به حرکت در آورده، سطح زندگی مردم را بهتر نموده و سوسیالیسم را به پیش برند. ۳ به خاطر مسائل و مشکلات داخلی و تغییر اوضاع جهان فرض را بر این بگذارند که سوسیالیسم موفق نبوده و تنها راه چاره آن است تا جامعه سوسیالیستی را بر مبنای پرسنپ‌ها و ارزشهای کاپیتالیسم تغییر دهند.

در این کتاب این مسئله برجسته می‌شود که راه حل دوم این امکان را فراهم می‌کرد تا در برابر فشار سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژی غرب کاپیتالیستی مقاومت کرده و جهت گیری سوسیالیستی را حفظ نموده تا بتوان در بلند مدت با سیستم کاپیتالیسم رقابت نمود.

«رهبری جدید حزب کمونیست شوروی که اواسط دهه ۸۰ با گورباچف در رأس آن حکومت در دست گرفت این امکان را داشت تا فرم‌هایی را انجام دهد که از سوسیالیسم در شوروی دفاع نموده و آن را رشد دهد. این رهبری راه حل اول را رد کرده، اما متأسفانه راه حل سوم را انتخاب نمود. آن‌ها از ایدئولوژی دگم «چپ» به اپورتونیسم راست پیچیدند که نتیجه آن شکست قابل رویت امروز است» (ص ۸). ظهور اپورتونیسم در حزب کمونیست شوروی با نماینده اصلی آن گورباچف از نظر دانشمندان چینی اتفاق افتاده است. آن‌ها در اینجا «رابطه تنگاتنگی با رشد نسبتاً استوار کاپیتالیسم، با مشکلات گاه‌گاهی که در مقابل سوسیالیسم قرار داشتند و با اشتباهات احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی در سیاست داخلی و خارجی مشاهده می‌کنند» (ص ۱۷).

شکل گرفتن خط سیاسی و ایدئولوژی گورباچف در این نویسندگان به سه دوره تقسیم می‌کنند:

۱- مارس ۱۹۸۵ تا ژوئن ۱۹۸۸ در آغاز گورباچف در رفهای ضروری «خود تکمیلی سوسیالیسم» را می‌دید. او اخذ دموکراسی پارلمانی غربی را رد نمود. تحت تأثیر او قضای جدید و مثبتی در زندگی سیاسی-ایدئولوژی رشد نمود. یکی سری از موضع گیری های اشتباه تصحیح شدند (جنگ افغانستان، مسابقه تسلیحاتی). در همان حال اما بعضی اشتباهات نظری در مواضع ایدئولوژیک کادرهای رهبری حول گورباچف صورت می‌گیرد (متکی شدن به نظریه خروشیف در رابطه با حزب، دولت تمام خلقی و نظریه انسان گرایی، دموکراسی و علینت غیر طبقاتی). نویسندگان در هسته «تفکر جدید» -ارزشها و منافع عموم شهری را برتر از هر چیزی قرار دادن- «ثوری اساسی برای از دست دادن پرسنپ‌های سوسیالیسم و تسلیم شدن در برابر غرب» را می‌بینند (ص ۱۰). اجازه دادن به تبلیغات ضد کمونیستی در اوایل سال ۱۹۸۸ باعث شد تا حرکت ضد کمونیستی قانونی به وجود آید.

۲- ژوئن ۱۹۸۸ تا ۱۹ اوت ۱۹۹۱ گورباچف بر اساس تصمیم گیری کنگره ۱۹ حزب در رابطه با «سوسیالیسم انسانی و دموکراتیک» تغییرات اساسی جامعه را با در نظر گرفتن ارزشهای سوسیالیست دموکراسی سوسیالیسم توضح می‌دهد. در پروسه‌ای تا سال ۱۹۹۱ روشن تر می‌شود که منظور او در این رابطه چیست: نفی نظم سوسیالیستی در شوروی به عنوان «سوسیالیسم منحنه»، گذار به جامعه چند حزبی و دموکراسی پارلمانی به شیوه غربی، نفی نقش رهبری حزب پرولتری، کثرت گرایی ایدئولوژی، نفی سانترالیسم دموکراتیک. در این مرحله حزب کمونیست شوروی به سرعت به سنتی‌ها (چپ‌های که آنترناتیو واقعی ارائه نمی‌کردند)، میانه‌ای‌ها و راستها تقسیم شد. نیروهای میانه پیرامون گورباچف با سنتی‌ها اختلافات اساسی داشتند اما تنها اختلافات تاکتیکی آنها را از راست‌های «رادیکال» (پلتسین) جدا می‌کرد. راست‌ها با همراه شدن با نیروهای ناسیونالیست نفوذشان هر چه بیشتر می‌شد.

۳- ۱۹ اوت تا آخر سال ۱۹۹۱ بعد از «اتفاقات ۱۹ اوت» نزدیکی نیروهای میانه با راست‌های افراطی بیشتر شد تا گذار به کاپیتالیسم

علت از هم پاشیدگی اتحاد جماهیر شوروی چه بود؟ آیا دلیل آن نقص در سیستم سوسیالیسم بود؟ پس گورباچف، یاکوف و دیگران حق داشتند که بگویند از هم پاشیدگی نظم سوسیالیستی در شوروی اجتناب ناپذیر و قانونمند بوده است. یا اینکه علت واقعی را باید بیشتر در سیاست غلط و اشتباه رهبری جستجو نمود که اجازه داد تا سیستم نقص پیدا کند؟ پس رفم به موقع و درست می‌توانسته جلوی شکست سوسیالیسم را بگیرد. چپ در این رابطه از نظر یکدستی برخوردار نیست و اکثریت‌شان امروزه به بخش نخست توضح بالا تمایل دارند. بحث در این رابطه ادامه خواهد یافت زیرا که جستجو برای یافتن جوابی مؤثر برای این سوالها مستلزم توجه به تجارب و اموخته‌ها از تاریخ سوسیالیسم است.

به هر صورت آن نظریه‌ای اشتباه است که سوسیالیسم تا به امروز را در مجموع شکست خورده و نابود شده ارزیابی می‌کند. اگر به محدوده خارج از اروپا نگاه کنیم کشورهای سوسیالیستی را خواهیم دید که به سرنوشت شوروی دچار نشده‌اند. در میان این کشورها جمهوری خلق چین وجود دارد که بعد از فرو پاشی شوروی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرزمینی است که در راه رشد سوسیالیستی خود قدم به قرن جدید میلادی می‌گذارد. البته باید اعتراف نمود که نتیجه این آزمایش تاریخی «سوسیالیسم مدل چینی» هنوز مشخص نیست. هم چنین جای شک و تردید نیست که سیاست رفم و بازگشایی حزب کمونیست چین که به زودی بیست ساله می‌شود در مجموع موفقیت آمیز بوده است. این موفقیت را می‌توان به عنوان دلیلی برای اینکه سیستم سوسیالیستی تا کنونی می‌تواند از طریق رفم بر تحرک تر شود، ارزیابی نمود. توجه کنیم که: این پروسه تحت شرایط عقب مانده تاریخی هنوز هم مؤثر، تناسب قوای بین‌المللی نامناسب و بازگشایی کشور اجرا می‌شود. بدین سبب جالب است تا بدانیم که چه نتایجی حزب کمونیست چین از فرو پاشی حزب کمونیست شوروی و کشور شوراهای گرفته است.

شورای نویسندگان مدرسه حزبی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در این رابطه کتابی با نام «شکست حزب کمونیست شوروی و نتایج آن» تهیه نموده است. این کتاب برای استفاده در مدرسه کادرهای حزبی چاپ شده است. با توجه به اینکه مدت زمان زیادی از تهیه این کتاب (دسامبر ۱۹۹۱) تا چاپ آن (آوریل ۱۹۹۲) طول کشیده است می‌توان نتیجه گرفت که مطالب جمع آوری شده در این کتاب در مجموع با نظرات رهبری حزب کمونیست چین هم خوانی دارند. جالب آن که تجارب حزب کمونیست چین بعد از انجام رفم و سیاست بازگشایی از اواخر دهه هفتاد میلادی در این کتاب منعکس می‌شود. این کتاب شامل ۱۰ فصل می‌باشد و با اشاراتی پیرامون دلایل فرو پاشی شوروی و درسه‌های حاصله از آن آغاز می‌گردد. در ۷ فصل بعدی دلایل ویژه یک به یک مورد بررسی قرار گرفته - بر اساس تاریخ «رفمهای رادیکال» حزب توسط گورباچف به خصوص تغییرات انجام گرفته در اواسط دهه هشتاد میلادی در بخشهای ایدئولوژی، وسایل ارتباط جمعی، سازماندهی حزبی، اقتصاد و رابطه با توده‌ها است.

در فصل نهم رابطه بین استراتژی غرب «تغییرات مسالمت آمیز» و «تفکر جدید» گورباچف در سیاست خارجی بررسی می‌شود. برای تأیید نتایجی که نویسندگان به آن رسیده‌اند در آخر کتاب نظرات شخصیت‌ها و متخصصین معروف شوروی سابق، نمایندگان دیگر احزاب کمونیست و هم چنین مطالب مندرج در وسایل ارتباط جمعی غرب چاپ شده است. پروسه رفم لیدر در پیش گفتار می‌نویسد که نویسندگان با استفاده از جهان بینی و متدولوژی فلسفه مارکسیستی و خدادهای تاریخی شوروی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سیستم سوسیالیستی در شوروی نه به خاطر وجود نقص در سیستم، بلکه به خاطر دهه‌ها دکاتیسم و سیاستی به دور از واقعیت تغییر شکل یافت. اگر تصحیح خط منشی و رفمهای سیاسی به موقع صورت می‌گرفت امکان آن وجود داشت تا سیستم اصلی را دوباره متحرک کرده و قوای آن را آزاد ساخت. فاکتورهای داخلی و بیش از همه خط منشی سیاسی حزب کمونیست شوروی و رهبری این کشور مورد توجه نویسندگان قرار دارند. لیو دی می‌نویسد: «رمز اصلی برای پیروزی و شکست یک حزب پرولتری در این است که آیا توان آن را دارد تا پرسنپ‌های کلیدی مارکسیسم را با عمل انقلابی و یا به عبارت دیگر با سازندگی کشور گرفته زند. خط منشی درستی را تعیین کند و راهی را برای انقلاب یا سازندگی انتخاب کند که هماهنگ با سطح رشد نیروهای مولد کشور باشد».

نویسندگان صریحاً از دکاتیسم و خشک اندیشی مارکسیسم-لنینیسم آن گونه که از زمان استالین در حزب کمونیست شوروی (و جنبش بین‌المللی کمونیست) به کار گرفته می‌شد، فاصله گرفته‌اند. آنها کوشش دارند تا به مارکسیسم-لنینیسم مارکس، انگلس و لنین مراجعه کرده و آن را در رابطه با تجارب منفی و مثبت خلاقانه در بررسی مورد نظر به کار گیرند.

بدین ترتیب حزب کمونیست چین بر عکس دیگر احزاب نظریه نشکنی حزب را که از زمان استالین دست کاری شده و تغییر شکل یافته، را کنار نگذاشته است. معیار نویسندگان برای برخورد با حزب کمونیست شوروی همانهایی است که لنین برای یک حزب کمونیست به رشته تحریر در آورده است: کمونیسم به عنوان هدف نهایی حزب، پیشاهنگ پرولتاریا به عنوان کاراکتر حزب، مارکسیسم به عنوان ایدئولوژی راهنما، نقش رهبری اجتماعی حزب و سانترالیسم دموکراتیک به عنوان پرسنپ تشکیلاتی. رابطه تنگاتنگ حزب با توده‌ها، انتقاد و انتقاد از خود (ص ۳۷).

نکته مثبت این کتاب برخورد تاریخی و منظم جداگانه با پروسه‌ها و اشخاص است. به عنوان مثال نشان دادن سوسیالیسم مدل شوروی و تأثیر آن بر روی رشد شوروی

سریع تر شود. با نقش تعیین کننده گورباچف حزب کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی منحل شد. در رابطه با سیاست اقتصادی هم در راستای «مالکیت خصوصی، اقتصاد آزاد و رقابت بازار» جهت گیری شد. از نظر نویسندگان سوسیالیسم گورباچفی «در جوهر خود به مانند پلی است که به کاپیتالیسم منتهی می‌شود» (ص ۱۲). در این رابطه آنها اشاره می‌کنند که حمایت همه جانبه کاپیتالیسم غربی و به خصوص امریکا از «سوسیالیسم انسانی و دموکراتیک» گورباچف به هیچ وجه تصادفی نبوده و البته او را تحت فشار هم گذاشته بودند. تحلیل امریکایی‌ها در اوایل تابستان ۱۹۹۱ چنین بود که تاکتیک گورباچف «کمک برای انجام دادن رفم» دارای کمبوهایی هم هست. به همین خاطر باید به او فشار آورد و شوروی را مجبور ساخت تا یک «رفم برای اقتصاد بازار آزاد، خصوصی کردن در مقیاس گسترده، حفاظت از مالکیت خصوصی، کمتر کردن کنترل بر روی اقتصاد، اجازه دادن به تجارت آزاد، دموکراتیزه کردن سیستم سیاسی» را به اجرا در آورد (ص ۲۹۲). نویسندگان در اینجا تأکید می‌کنند که «حمایت از حقوق بشر» ابزار مهم غربی‌ها به خصوص امریکایی‌ها جهت به اجرا در آوردن سیاست «تغییرات مسالمت آمیز» در کشورهای سوسیالیستی و مداخله در امور داخلی آنها، فریب توده‌ها و حمایت از اپوزیسیون بوده است (ص ۲۸۵).

اولین نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که نقش رهبری کننده حزب کمونیست در ساختمان سوسیالیسم ضروری است. «اگر حزب قدرت را از دست بدهد سوسیالیسم نابود می‌شود (ص ۲۰). در رابطه با مسئله رهبری هیچ گونه سازشی نباید صورت پذیرد. علت این نتیجه گیری دو فاکتور زیرین می‌باشند. از یک طرف مشکلات عمیق و تضاد در هسته رهبری و خط منشی سیاسی-ایدئولوژی حزب کمونیست شوروی که باعث از دست دادن موضع رهبری و در نتیجه نابودی حزب و دولت سوسیالیستی شد. از طرف دیگر احزاب حاکم در اروپای شرقی هم به خاطر پلورالیسم سیاسی و ایدئولوژی و سیستم چند حزبی مدل غربی تسلیم اپوزیسیون شدند و در نهایت بر اثر حملات ضد کمونیستی احزاب اپوزیسیون باختند. با توجه به اتفاقاتی که در شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی رخ داده‌اند حزب کمونیست چین درستی اعتقادش به مارکسیسم-لنینیسم را به عنوان پایه ایدئولوژی اش تأیید شده می‌بیند پرسنپ‌های اساسی این ایدئولوژی را خلاقانه به کار می‌بندد و به همراه خلق راه رفم را ادامه داده و با اپورتونیسم، دکاتیسم و خشک اندیشی مبارزه کرده و هیچ گونه مصالحه‌ای را در رابطه با سانترالیسم دموکراتیک انجام نخواهد داد یعنی هم دموکراسی درون حزبی را ارتقا و تکامل داده و هم چنین وحدت ایدئولوژی، اراده و انضباط را حفظ کرده تا سازمان حزبی قوی و مبارز باقی بماند. باید متذکر شد که حزب کمونیست چین امروزه وظیفه رهبری اش را در مسائل دولتی بیشتر به عنوان رهبری در رابطه با پرسنپ‌های سیاسی، جهت گیری سیاسی و تصمیم گیری های مهم در چهارچوب قانون اساسی کشور می‌بیند.

نتیجه دوم که در واقع تجارب سیاست چپهای رادیکال در چین هم آن را تأیید می‌کند این است که ساختمان اقتصادی در سرنوشت یک کشور سوسیالیستی تعیین کننده است و بدین خاطر وظیفه اصلی سوسیالیسم رشد نیروهای مولد می‌باشد (ص ۲۳). دولت سوسیالیستی در مسابقه بین دو سیستم زمانی می‌تواند پیروز شود که قدم به قدم موفق تر شده و بعد از ساختن «سیستم های کلیدی سوسیالیسم»، نیروهای مولد را از طریق رفم مکانیزم های اقتصادی این بار با این هدف آزاد سازد که باز دهی کار مدام افزایش یافته و شرایط زندگی مادی و فرهنگی خلق بهتر شود. در اینجا باید بطور فعالانه در تبادل علمی و صنعتی و همکاری های بین‌المللی و در رقابت‌های بازار جهانی شرکت نمود. حزب کمونیست چین این راه را انتخاب کرده است. بر عکس گورباچف علاوه بر اینکه طرح مشخصی برای رفم اقتصادی نداشت بلکه بدون در نظر گرفتن واقعیات شوروی از غرب تقلید نمود.

نتیجه سومی که گرفته می‌شود این است که یک حزب کمونیست حاکم نباید به هیچ وجه تضاد طبقاتی و مبارزه طبقاتی را در شرایط سوسیالیستی به فراموشی بسپارد (ص ۲۴). حزب می‌بایستی که به دیکتاتوری پرولتاریا پای بند بوده و تنظیم رابطه بین دموکراسی و دیکتاتوری، بین دموکراسی و سیستم قانونی را درک کرده و تضادهای متفاوت در این دو کاراکتر را به درستی تشخیص داده و در عمل پیاده کند. اتفاقاتی که در شوروی و اروپای شرقی رخ داده‌اند ثابت می‌کنند که در شرایط سوسیالیستی تضاد طبقاتی و مبارزه طبقاتی هم چنان وجود خواهند داشت. در اینجا نشان داده شده است که خطرناک‌ترین دشمن یک حزب کمونیست حاکم طبقه استثمارگران سابق نبوده بلکه اقشار و گروه های تازه به وجود آمده ضد سوسیالیستی و راست می‌باشند. آنها همیشه سعی خواهند نمود تا اشتباهات حزب کمونیست را به خصوص در عرصه اقتصادی مورد سوء استفاده قرار داده، توده‌ها را به طرف خود جلب نموده و توازن طبقاتی را به نفع خود تغییر دهند.

تجارب حزب کمونیست چین گواهی می‌دهد که از یک طرف می‌بایستی. به این مشکل توجه شود، زیرا که بورژوازی انحصاری غربی به هنگام ضعف جنبش کمونیستی بین‌المللی سعی در اجرای نوعی «تغییرات مسالمت آمیز» در کشورهای سوسیالیستی خواهد نمود. از طرف دیگر نویسندگان تأکید می‌کنند که می‌بایستی جلوی این گرایش گرفته شود که تحت شرایط رفم و بازگشایی پیش از اندازه به مبارزه طبقاتی بها داده شود و وظیفه اصلی یعنی بازسازی اقتصادی مورد سئوال قرار گیرد. موارد دیگری را که نویسندگان از شوروی انتقاد می‌کنند یکی دموکراسی و دیگری قانونیت است. با اشاره به مارکس، بقیه در صفحه ۹

جایگاه زنان در «قدرت»

از نشریه پیشرفت زنان (سازمان ملل)

زنان در سراسر دنیا در وضعیت تقریباً مشابهی به سر می‌برند، زیرا انسان از سهمی کاملاً نابرابر در مشارکت در اموری که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، برخوردارند. تسلط مستحکم مردان در سطوح بالای تصمیم‌گیری و نفوذ بسیار پائین زنان در آنجا موجب شده است که زنان از این قدرت که بتوانند در مورد بقا و زندگی خانواده‌شان تصمیم‌گیری کنند، محروم شوند. این در حالی است که میلیون‌ها زن از زنان نه تنها مدیران منابع کمیاب مربوط به مصرف خانواده‌ها و امور بهداشت می‌باشند، بلکه سازمان‌دهنده، ناظر، مشکلات، صلح‌ساز و مهیا‌کنندگان همبستگی به عنوان پیش‌نیازهای توسعه، می‌باشند. اما در عین حال بعد از گذشت دو دهه از اولین کنفرانس جهانی زنان در مکزیکوسیتی، زنان زیادی در حوزه‌های اجتماعی وارد شده و به عنوان تصمیم‌گیرنده در سطوح سیاسی، تجاری، صنعتی، خدمات و رسانه‌ها تعیین شده‌اند و حتی تعدادی از آنان به سطوح رهبری در سازمانهای غیر دولتی رسیده‌اند و بطور موثری در عرصه قدرت سیاسی موثر واقع شده‌اند.

امروزه نام زنانی همچون، آکینو، بوتو (قبل از کودتای اخیر و سقوط وی)، چامورو، گاندی و پرون، که به مقام رهبری در کشورهایشان رسیده‌اند، همانند سایر رهبران (مرد) شناخته شده است. با این وجود، هم‌اکنون تعداد زنانی که به عنوان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، اعضای مجالس قانونگذاری، شهردار و نماینده مجالس قانونگذاری ایالتی حضور دارند، به حدی کم است که آنها نمی‌توانند بطور موثر در ساختار قدرت در جامعه تأثیرگذارند یا به ایجاد ساختار جدیدی در جوامع شکل دهند. البته قابل ذکر است که تعداد زنانی که در کشورهای در حال توسعه در سطوح نمایندگی سیاسی، در درجات عالی قرار می‌گیرند، نسبت به کشورهای پیشرفته، بیشتر است و این میزان همچنان رو به بهبود و ترقی است. در نهایت عمیق‌ترین شکاف در زندگی اجتماعی، اختلاف میان زنان و مردان در سطح تصمیم‌گیری است.

در اکثر کشورها در دوره افزایش دموکراتیزه شدن جهان، زنان بیش از نیمی از رای‌دهندگان را تشکیل می‌دهند و آنها هم به عنوان رای دهنده و هم به عنوان کاندیدای پست‌های مختلف، انتخاب می‌شوند ولی به هر حال این ترجمان برابری برای آنان نیست.

تنها در چند کشور - که عمده آنها کشورهای اسکانندیناوی می‌باشند - نسبت زنان در سطح تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کم و بیش با مردان برابر است. اما در کل، این رابطه و نسبت در اکثر کشورهای دنیا خیلی پائین‌تر از ۳۰ درصدی که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ برای سطح تصمیم‌گیری برای زنان تعیین کرده قرار دارد و به همین دلیل است که سازمان ملل برای رساندن زنان به این سطح از تصمیم‌گیری در قالب گروههای تخصصی و برنامه‌های مختلف، اقداماتی را انجام داده است.

هنوز زنان به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی در سازمانهای بین‌المللی، سطوح بالای هیاتهای دیپلماتیک، بانکها و شرکتهای چند ملیتی و در سطوح فرماندهی نیروهای نظامی و

پلیس به میزان زیادی غایبند. فقدان مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری سیاسی عواقب و پیامدهای مهمی را در جامعه بشری به جای گذاشته و خواهد گذاشت. زیرا این امر (عدم مشارکت در تصمیم‌گیری) باعث عدم مسئولیت‌پذیری زنان از یکطرف و انکار حقوق مهم آنان به عنوان یک شهروند کامل در جامعه از طرف دیگر، می‌گردد. همچنین این معضل باعث می‌شود که سهم آنان از تصمیم‌گیری بر تخصیص بودجه ملی و توجه دولت نسبت به آنان محدود شده، نظرات آنان نادیده گرفته شود و مهارتشان غیر قابل استفاده قرار گیرد.

سیاست؛ از سطح ملی به سطح بین‌المللی

در جهانی که مردان مسلطند و ویرانی پشت سر ویرانی رخ می‌دهد، زنان در کشورهای فقیر و غنی از نقش مشابهی که همان حمایت بچه سالخورده کره ارض است، برخوردارند. گلوپیا سیتانم ۱۹۹۴

زنان در جهان غرب تنها پس از تظاهرات بی‌شمار، اعتصابهای گسترده و جلب حمایت قانونگذاران توانستند برای اولین بار در نیوزیلند در سال ۱۹۸۹ حق رای بدست آورند. دو عامل تاریخی در بدست آوردن حق رای زنان نقش اساسی داشت: نخست افزایش مشارکت آنان در شغل‌های مردانه در خلال انقلاب صنعتی و نیز، همکاری فعال آنان در جریان جنگهای جهانی اول و دوم.

در قرن نوزده تلاش مستمر زنان بویژه در اروپا و آمریکای شمالی برای بدست آوردن حق رای آغاز شد. مخالفت با دادن حق رای برای زنان بر این فرض اساسی استوار بود که اصولاً زن و سیاست با هم ناسازگارند زیرا سیاست یک فعالیت «غیر فنیستی» است. در سایر نقاط دنیا دسترسی زنان به حق رای از طریق مشارکت آنان در روند نوسازی سیاسی و تلاش در مقابل استعمارزادگی آغاز گردید. نوع دوم، تلاش زنان برای آزادی ملی و ایجاد کشورهای جدید بود - مهمترین نمونه‌اش، هند است - که زنان متعاقب استقلال آن کشور، حق رای به عنوان گسترش طبیعی مشارکت فعال آنان در راه آزادی را کسب کردند. جنگها، انقلابها و نهضت‌های استقلال‌طلبی، موجهایی بودند که زنان را به حق رای نزدیک‌تر می‌ساختند.

بسر طبق اعلام اتحادیه بین‌المللی مجالس، سازمانهای غیر دولتی زنان و مجالس ملی، زنان تا سال ۱۹۸۷ در ۱۱۵ کشور دنیا حق رای به دست آورده بودند. در اکثر کشورهای، زنان بطور همزمان هم حق رای و هم حق انتخاب شدن را به‌دست آوردند هرچند تعداد زنانی که در انتخابات دموکراتیک رای می‌دهند، بطور غیر قابل قبولی پائین است. و تعداد اندک زنان در مجالس قانونگذاری حتی از پرتعدادترین کابینه‌هایی که از زنان تشکیل شده است نیز پائین‌تر است.

● بطور میانگین در سطح دنیا در سال ۱۹۹۴، فقط ۱۰/۵ درصد سطح تصمیم‌گیری مجالس قانونگذاری و ۶/۱ درصد قوه مجریه به زنان اختصاص یافته بود.

● در نروژ که نخست‌وزیر آن زن است، ۳۷ درصد از کابینه و ۳۹ درصد پارلمان نمایندگان را زنان تشکیل می‌دادند. (این آمار مربوط به سال ۱۹۹۵ است)



طرح از ریشه نوبه

تأیید حق انتخاب همسر «یک پیروزی سیاسی»

دادگاهی در لاهور پایتخت پاکستان، قانونیت ازدواج زوج جوانی را که با حساسیت ویژه‌ای از طرف وکلا و مدافعین حقوق بشر دنبال می‌شد، مورد بررسی قرار داد. این زوج زعیمه و ارشد احمد نام دارند، در فوریه ۱۹۹۶ ازدواج کردند ولی بلافاصله مورد تهدید و آزار والدین دختر قرار گرفتند که معتقد بودند چون این ازدواج بدون رضایت پدر دختر صورت گرفته است، از نظر اسلامی مردود است. والدین دختر به دادگاه شکایت بردند و خواستار لغو قانونی ازدواج شدند. زن جوان دانشجویست و شوهرش معلم است. مرد ۴ ماه در زندان بسربرد. آنها در این مدت مورد توهین و بدرفتاری پلیس قرار داشتند و سرانجام در یک «خانه زنان» پناه گرفتند.

دادگاه لاهور شکایت والدین عروس را رد کرد، فقط یکی از قاضی‌ها در ایالات متحده آمریکا، زنان به سختی ۱۱ درصد مجلس عوام و ۷ درصد سنا را در کنگره تشکیل می‌دهند.

● در سایر کشورها و نواحی توسعه یافته، مشارکت زنان از حدود ۷ درصد در سال ۱۹۷۵ به حدود ۱۷ درصد در سال ۱۹۹۴ رسیده است که این میزان در کشورهای شمال اروپا (نوردیک) حدود ۳۴ درصد بوده است.

● در اروپای غربی، مشارکت زنان در مجالس قانونگذاری از ۲۲ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۶/۵ درصد در سال ۱۹۹۳ نزول کرد که بیشتر آن در نتیجه سقوط کمونیسم و حذف سهمیه زنان در پارلمان بود. ولی گزارش ژوئن ۱۹۹۴ اتحادیه بین‌المللی، رشد ملموسی را در درصد فوق نشان داده است. بطوری که در سنای لهستان، مشارکت زنان از ۸ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۱۳ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش پیدا کرده است و این رشد در مجارستان از ۷/۳ درصد در سال ۱۹۹۰ به نزدیک ۱۱ درصد در سال ۱۹۹۴ رسیده است.

● در اغلب کشورهای دنیا، زنان به میزان خیلی کمتری برای احراز پست ریاست جمهوری داوطلب (کاندیدا) می‌شوند و علت آن هم عدم دسترسی آنان به کانال‌های دستیابی به قدرت

در سطوح بالا مخصوصاً از قوه مجریه، احزاب سیاسی و اتحادیه‌های تجاری می‌باشد. و این در حالی رخ می‌دهد که اکثر کشورها با تغییرات سیاسی دراماتیکی وانمود می‌کنند که کانالهای قانونی و سیاسی مهمی را برای ایفای نقش فعال زنان تعبیه کرده‌اند.

از یکسو ظهور دموکراسی، ضرورت‌مشارکت برابر در تصمیم‌گیری را برای زنان به ارمغان خواهد آورد و از دیگر سو رژیمهای غیر دموکراتیک و سنتی بر جستجوی زنان برای کسب قدرت سیاسی، ضربه‌های سخت فرو می‌آورند. با این وجود، هنگامی که زنان به پست وزارت می‌رسند، اغلب در وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، فرهنگ، تامین اجتماعی، امور زنان و جوانان و بعضی اوقات در امور قضایی و حقوقی مشغول به خدمت می‌شوند و آنها خیلی کمتر در پست وزارتخانه‌های کلیدی نظیر، اقتصاد و دارایی، دفاع، کشور و یا امور خارجه تعیین می‌گردند.

یک روش متفاوت در صورتی که زنان از نظر قدرت سیاسی با مردان برابر شوند، زندگی ما چه تغییر پیدا خواهد کرد؟ در حالیکه عده‌ای معتقدند، قدرت با جنسیت رابطه‌ای چندان ندارد و تفاوتی در

حق حیات زنانه

شیرین عبادی

قصاص قاتل نصف ديه مرد را به او بپردازد». ماده ۲۱۳ همان قانون مقرر داشته است: «در هر مورد که باید مقداری از ديه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت ديه قبل از قصاص باشد».

بنابراین اجرای عدالت یعنی قصاص قاتل موکول به پرداخت «نصف ديه» است و چون ممکن است تهیه آن برای شاکی (ولی دم مقتوله) دشوار باشد لذا می‌تواند مانعی جهت اجرای عدالت محسوب گردد.

نکته جالب توجه آنست که این شرایط فقط در مورد مسلمانان رعایت نمی‌شود بلکه در مورد غیر مسلمان هم باید اجرا شود. ماده ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال «۱۳۷۰ مقرر داشته است: هر گاه کافر ذمی عمدا کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود اگر چه پيرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد بایدولی او قبل از قصاص نصف ديه مرد ذمی را به قاتل بپردازد

بنابراین اگر مردی مسیحی، زنی مسیحی را عمداً بکشد، هرچند که در دین آن‌ها ممکن است زن و مرد مساوی باشند، اما قبل از قصاص قاتل باید نصف ديه را به او بپردازد.

نتیجه عملی نادیده انگاشتن «حق حیات» در مورد زن را یک بار به چشم دیدیم: چندی قبل مردی سفاک و بی‌رحم نوعروس جوانش را به جرم سوزاندن غذا با کارد به قتل رساند و متواری شد. با همت و پایمردی ماموران انتظامی بعد از چند ماه دستگیر و محاکمه شد. چون اجرای عدالت موکول به پرداخت نیمی از ديه قاتل بود، پدر مقتوله به ناچار تنها مایملک خود را که خانه‌ای ۹۵ متری در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان شوش، بود فروخت و بهای آن را دودستی تقدیم قاتل نمود، تا موجبات اجرای حکم دادگاه فراهم شود و خود نیز در سن «۷۰ سالگی باتفاق همسر و عائله‌اش تن به اجاره‌نشینی داد.

برگرفته از نشریه جامعه سالم شماره ۲۲

«حق حیات» را می‌توان سرچشمه و منشا کلیه حقوق انسانی دانست زیرا حقوق دیگر فرع بر این اصل است. ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». احترام و تاکید بر حق حیات برای کلیه افراد بشر، فقط در اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش‌بینی نشده است، بلکه بند الف از ماده دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ‌کس بدون مجوز شرعی». به عبارت دقیق‌تر از آنجایی که خداوند خالق انسان است و جان آدمی در دست اوست، کسی حق کشتن دیگری را ندارد و در نتیجه قتل عمدی جرم و گناهی بزرگ بوده و قاتل مستحق شدیدترین کیفرهاست، بنحوی که در برخی از مسالک، مجازات اعدام مخصوص قتل عمدی است یعنی هیچ جرمی مستحق اعدام و کشتن نیست مگر قتل یک انسان بیگناه. در ایران، ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که قتل عمد موجب قصاص است. به عبارت دیگر اگر کسی عمدا دیگری را به قتل برساند، پس از اثبات جرم و در صورتی که اولیا دم رضایت ندهند، کشته خواهند شد. این اصل و قاعده کلی است و ناشی از احترام به «حق حیات» است، اما این اصل بدیهی در مورد زنان به گونه‌ای دیگر اجرا می‌شود.

در پاکستان، زنان به غیر از مشکل عدم حمایت قانونی، با مشکل اذیت و آزار گروههای اسلامی و فتوای ملایان ده و شهر روبرو هستند. این گروههای اسلامی و ملایان به تکفیر زنانی می‌پردازند که بدون رضایت پدر ازدواج کرده‌اند، و یا همسر تعیین شده از طرف والدین در زمان نوزادی را رد کرده و با مرد دیگری ازدواج می‌کنند. حق انتخاب همسر یکی از عرصه‌های مبارزه زنان با گروه‌های اسلامی در پاکستان می‌باشد.

اگر زنی به قتل برسد مجازات قاتل بر حسب آن که مرد باشد یا زن متفاوت است. اگر زنی به دست زن دیگری به قتل برسد، مجازات قاتل قصاص است اما اگر قاتل مرد باشد حکم قانون تغییر می‌کند. به موجب ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است ولیکن باید ولی زن قبل از

دو نسل با چه گوارا

کفش‌های کتانی، قنادی «فیاما» در میدان فردوسی با خوشمزه‌ترین شیر قهوه‌های دنیا و نگاه‌های پسنهانی به اعلامیه‌های جمع‌شده در کسبفم، راه‌پیمایی‌های طولانی بی‌خستگی و تلاشی حریصانه برای خواندن کتابهای بی‌نقطه و ویرگول و جمله‌های طولانی و گاه نامفهوم و هم‌دی اینها با پایدی مضطرب از «چه‌گوارا» که از دوران نوجوانی در ذهنمان نشسته بود.

چه گوارا «فیرزاده» بود یا موتورسیکلتش و شریک شدنش در غذای من در سلف سرویس روزنامه کیهان و نگاه مادرانه من در ۲۲ سالگی که شوق خوردنش را تحسین می‌کردم و «رضا» با بی‌پولی مزمنش. وقتی خبر اعدامشان را شنیدم چهره «چه‌گوارا» به نظرم آمد. مثل وقتی که سالها بعد خبر اعدام «مهرداد» باز هم «چه‌گوارا» را دوباره در ذهنم زنده کرد. انگار هر کس اعدام می‌شد او بود. و در تمام سالهای بعد او را در گوشه‌ای از ذهن جای داده بودم و خیال سرکشم تا بدانجا راه نمی‌یافت. و حالا مثل آنوقتیا

چه‌گوارا حسن عاشقانه‌ای را در من برمی‌انگیزد که به درستی نمی‌دانم از کجا می‌آید نوعی التهاب، دلشوره، هیجان و سرخوشی خاص سالهای ادامه در صفحه ۹

در شماره اخیر نشریه آرش مطلبی با عنوان «دو نسل با چه گوارا» به تلم خاتم نامید کشاورز درج شده است. در این مقاله خاتم کشاورز نگاه و احساس دو نسل جوان امروز، نسل که خاتم کشاورز به آن تعلق دارد را به تحریر درآورده است در زیر بخش‌هایی از مقاله ایشان را ملاحظه می‌کنید:

##

«چه‌گوارا» برای من فقط یک انقلابی نبود. جوانیم بود با آرزوهای برنیامده‌اش. خیابان شاهرضا بود و روبروی دانشگاه کتابهای جلد سفید، تظاهرات پراکنده، دانشگاه تهران و دانشکده حقوق و نگاه‌های شتابزده برای دیداری آشنا در آنجا. پیراهن‌های چینی سبزرنگ با شلوار چین آبی و

جنسیت بکارگیرنده قدرت اصلی از اینکه مرد باشد یا زن، وجود ندارد، عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که زنان می‌توانند قدرت را بطور متفاوتی که بهتر نیز باشد بکار ببرند. The advancement of women An overview (united Nations) PP:73-84 ترجمه از ل. سلامی برگرفته از نشریات داخل کشور

با انتصاب و فستجان به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط خامنه‌ای، بار دیگر جایگاه این ارگان و وظایف آن در نظام ولایت فقیه در محافل سیاسی کشور مطرح شده است. ما صرفاً برای آشنایی خوانندگان نشریه کار از جایگاه و وظایف این ارگان، بخشی از مقاله مندرج در نشریه ایران فردا (شماره ۲۶) که توسط یکی از نویسندگان این نشریه با اصطلاحات متداول در بین حامیان حکومت اسلامی نگاهته شده است، در زیر می‌آوریم.

تشخیص مصلحت

مصلحت‌اندیشی بر اساس حاکمیت ملی برعهده مجلس شورای اسلامی به عنوان مجمع نمایندگان سیاسی ملت است که پس از بررسی‌های کارشناسانه آنچه که خیر و صلاح جامعه باشد را از طریق وضع قانون مقرر می‌دارد، اما این امر با توجه به حاکمیت اسلام بر کلیه امور و شئون لزوماً باید مستقیم به رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی باشد. از ظاهر عبارت اصل نود و یکم قانون اساسی چنین برمی‌آید که ابتکار تشخیص مصلحت فقط برعهده مجلس است و شورای نگهبان در تشخیص مصلحت نقشی ندارد بلکه با بررسی‌های خود مغایرت یا عدم مغایرت مصلحت عنوان شده را اعلام می‌کند. در این صورت اگر مصوبه مجلس مورد تأیید قرار گیرد آن مصوبه به عنوان مصلحت ملی و اجتماعی اجرا می‌شود اما اگر مصوبه ای مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگیرد در حالی که به نظر مجلس اجرای آن به خیر و صلاح جامعه و عدم اجرای آن مفید‌اندگیز باشد در این صورت خیر و صلاح جامعه در مقابل احکام اسلام (یا قانون اساسی) قرار می‌گیرد. بر این اساس در رویارویی مصلحت ملی و اجتماعی با موازین شرعی مصلحت نظام به عنوان مصلحت اهم مورد توجه قرار می‌گیرد. و این وظیفه را مجمع تشخیص مصلحت نظام ایفاء می‌نماید.

سیر تطور مجمع تشخیص مصلحت نظام

برگرفته از نشریه ایران فردا

تبدیل شدن به نهاد

قانون‌گذاری

در دوره نخست فعالیت مجمع تشخیص مصلحت در موارد متعددی براساس اختیارات مفوضه از سوی رهبر انقلاب مجمع، مبادرت به تصویب قانون می‌کرد. قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و قانون تعزیرات حکومتی از اهم مصوبات مجمع در این مقطع است. در پی انعکاس نگرانی جمعی از نمایندگان مجلس به رهبر فقید انقلاب از به مخاطره افتادن موقعیت مجلس شورای اسلامی و تعدد مراکز قانون‌گذاری، ایشان طی فرمانی اختیار قانون‌گذاری را از مجمع سلب و صلاحیت آن را صرفاً به رسیدگی در موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان محدود نمودند.

اما در دوره جدید مجمع تشخیص و پس از قانونمند شدن آن نهاد نیز، در موارد متعددی این مجمع مبادرت به تصویب قوانین ابتدایی کرده است (قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۵ - حق کسب و پیشه یا تجارت مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۵ قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳ ...). طبق آمار موجود مجمع تشخیص مصلحت نظام از آغاز تشکیل تا اردیبهشت ۱۳۷۱ قریب پنجاه مصوبه داشته است که از این تعداد تنها چهارده مورد آن در رابطه با اختلاف حل نشده بین شورای نگهبان و مجلس بوده است و بیش از دو سوم مصوبات مجمع، وضع قانون است که صلاحیت آن خارج می‌باشد.

قدرت چهارم

و پیامدهای آن

مجمع تشخیص مصلحت نظام که با فرمان رهبری ایجاد شده بود از ابتدای امر تا زمان بازنگری قانون اساسی به عنوان یک تأسیس سیاسی و بدون جایگاه قانونی تلقی می‌شد. بدین خاطر برای قانونی ساختن آن در فرمان بازنگری، تحت عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام» برای حل معضلات نظام و مشاوره با رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد، در ردیف مسائل مورد بحث شورای مذکور قرار گرفت. به هنگام طرح مطلب در شورای بازنگری دلیل توجیهی عمده‌ای که ارائه شد این بود که ممکن است معضلات و مشکلاتی پیش آید که راه حل قانونی برای آن وجود نداشته باشد یا حل عادی آن به کندی صورت پذیرد. بدین ترتیب بود که مجمع تشخیص مصلحت نظام علاوه بر حل اختلاف، مسئول حل معضلاتی که از سوی رهبری به وی ارجاع می‌شود نیز گردید و بند هشتم الحاقی اصل یکصد و دهم قانون اساسی بدین مهم اختصاص یافت. در این بند بدون ذکر مصادیق عبارت حل معضلات نظام، بیان شده است به نحوی که می‌توان آن را در مورد از اختیارات قوای سه‌گانه دخلت داد، از سوی دیگر عبارت «از طریق عادی قابل حل نیست» راه را برای هرگونه گریز از نظام مقرر در قانون اساسی باز می‌گذارد. طریق مذکور اگر در واقع به منظور حل معضلات نظام است اما در عمل این نگرانی را همواره می‌تواند ایجاد نماید که مجمع تشخیص مصلحت نظام با تمسک‌های مکرر دستگاه اجرایی به تدریج به صورت یک نهاد

یدالله علی‌آبادی

قانون‌گذاری درآید و عرصه را بر مجلس شورای اسلامی تنگ نماید و اعتبار سیاسی آن را کاهش دهد.

نتیجه‌گیری:

فلسفه اصلی و اولیه تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام بروز اختلاف نظر عمیق بین شورای نگهبان و اکثریت مجلس شورای اسلامی در مورد برخی از قوانین عمده و مهم مثل «قانون کار» بود. ادامه این روند در نهایت منجر به صدور فرمان رهبر انقلاب مبنی بر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام گردید. این مجمع در دوره نخست فعالیت خود علاوه بر حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، در مواردی دست به تصویب قوانین ابتدایی زد. اما این اختیار بعداً به وسیله رهبری از مجمع سلب شد و صلاحیت آن منحصر به حل مسائل مورد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان گردید. در پی بازنگری در قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام جایگاه خویش را در قانون اساسی به دست آورد و علاوه بر وظیفه اصلی و اولیه مسئولیت حل معضلات نظام را نیز برعهده گرفت. علی‌رغم اصرار و عنایت بنیانگذار فقید انقلاب مبنی بر این که حوزه اختیارات مجمع، توسعه نیابد و به نهادی در عرض قوای دیگر تبدیل نشود اما در عمل در موارد بسیاری مجمع دست به تصویب قوانین ابتدایی زد. این امر علاوه بر این که مغایر انحصار قدرت قانون‌گذاری مجلس است به تدریج مسیر قانون‌گذاری را دچار اختلال می‌کند و از فرآیندی که در قانون اساسی برای آن پیش‌بینی شده منحرف می‌سازد که نمی‌توان از پیامدهای ناگوار چنین پیشامدی غافل ماند.

در آستانه امروز

ادامه از صفحه ۶
عامه اداره می‌شد. بدینگونه، می‌توان گفت که معادل مفهومی اصطلاح کمونیسم در همه زبان‌های مهم دنیا وجود داشته و در قلمرو همه تمدن‌ها، جهان‌بینی‌ها و جنبش‌هایی با آرمان کمونیستی برآمد کرده است. «سوسیالیسم» اما دارای یک مفهوم بیشتر اکتسابی است تا سرشتی. از همین رو این اصطلاح بسیار تفسیرپر‌دارتر از کمونیسم است. اصطلاح سوسیالیسم (در مفهوم جدید آن) از واژه فرانسوی «سوسیال» یعنی اجتماعی گرفته شده است. در زبان لاتین بسیار پیش‌تر از آن، یعنی از سال ۱۷۵۳ به بعد به ویژه در دوره فرمانروایی سزار بورژوازی معروف و در رابطه با برخی اندیشه‌های سیاسی او، از این اصطلاح با مفهومی کاملاً متفاوت استفاده شده است. مفهوم سیاسی جدید «سوسیالیسم» آفریده دهه‌های نخستین سده نوزده است. در کتاب «ایدئولوژی‌های سیاسی» آمده است:

«کلمات سوسیالیسم و سوسیالیست اواخر دهه ۱۸۲۰ یا اوایل ۱۸۳۰ در بریتانیا و فرانسه پیدا شد. قدیمی‌ترین کاربرد واژه «سوسیالیست» به یکی از شماره‌های سال ۱۸۳۷ مجله تعاونی Coperative Magazine برمی‌گردد که نام آن یادآور مردی است که بسیاری او را بنیان‌گذار سوسیالیسم در بریتانیا می‌دانند، یعنی رابرت اوون (۱۸۵۸-۱۷۷۱)» (ایدئولوژی سیاسی - اثر گروهی یسان مکنزی و همکاران).

اصطلاح «سوسیالیسم» نیز در سال ۱۸۳۲، در نشریه‌ای که ارگان نظری - سیاسی هم‌اندیشان سن‌سیمون بود، به عنوان معرف اندیشه‌های او به کار گرفته شد.

ادامه دارد

نگاهی به کتاب

ادامه از صفحه ۷

انگلس و لنین نظر حزب کمونیست چین را این گونه ارائه می‌دهند که «بدون دموکراسی سوسیالیسم وجود ندارد» (ص ۲۸). اگر قدرت بی نهایت مرکزی شود مانعی برای ساختمان دموکراسی سوسیالیستی و قانونیت، تحقق سانترالیسم دمکراتیک در حزب، ساختمان سوسیالیسم و رشد خرد جمعی خواهد بود. این مسئله می‌تواند به آسانی تبدیل به دیکتاتوری فردی و زیر پا نهادن خرد جمعی شود. اگر قدرت در دست یک شخص و یا اقلیت کوچکی باشد باعث خواهد شد تا اکثریت از حق و حقوقی برخوردار نباشند (ص ۲۷۸). به زبان دیگر: «اگر توده‌های خلق حق کنترل دستگاه‌های حکومتی دولت، اعضای حزب، تشکیلات حزبی و کادرهای رهبری در همه سطوح را داشته باشند و بتوانند آنها را تغییر داده و یا عزل کنند، می‌توان مانع تحولات آن چنانی شد. از طریق توجه آگاهانه به این حقوق است که قانونیت کامل سوسیالیستی تضمین می‌شود» (ص ۲۷۰). اما اگر مثل گارباچف برای نیروهای ضد کمونیست حقوق دمکراتیک قابل شوم، نتیجه همان خواهد شد که دیدیم.

نتیجه چهارم: احزاب حاکم سوسیالیستی می‌بایست که توجه خاصی به مبارزه در عرصه ایدئولوژی می‌داشته. آنها باید قاطعانه به مواضع کلیدی مارکسیسم - لنینیسم در عرصه ایدئولوژی تکیه نموده و با مارکسیسم - لنینیسم و ایدئولوژی سوسیالیسم رسانه‌ها را اشغال کرده تا روح تمدن سوسیالیستی را بسازند (ص ۲۹). باید ممانع آن شد که ایدئولوژی‌های ضد کمونیستی و سوسیالیستی آزادانه گسترش یابند. «نتیجه‌ای که از شوروی می‌توان گرفت این است که هر گاه مواضع ایدئولوژی سوسیالیستی در حزب و جامعه از بین بروند باعث پدید آمدن آشفتگی ایدئولوژی و عدم اعتماد به سوسیالیسم خواهند شد. این مسئله زمینه را برای از بین بردن رهبری حزب کمونیست و سوسیالیسم فراهم خواهد نمود» (ص ۲۸). این نویسندگان در عین حال هم مخالفت خود را با متدهای دگم و رسمی «چپ» در عرصه ایدئولوژی در رابطه با گسترش مارکسیسم - لنینیسم و چگونگی برخورد با سیستم ایدئولوژی بورژوازی و تئوری‌های علمی یک طرفه از خوبی‌های سوسیالیسم تعریف کردن و بر روی بدی‌های کاپیتالیسم تأکید کردن انعطافی با آنها ندارند. آن چنان که تاریخ نشان می‌دهد می‌تواند در پروسه چالش شدن سوسیالیسم به جای کاپیتالیسم که زمان زیادی طول خواهد کشید و فوق‌العاده پر پیچ و خم خواهد بود گرایش‌ها ضد ایدئولوژی سوسیالیستی هم به وجود آیند. پنجمین نتیجه‌گیری مهم مبنی بر جلوگیری از آشفتگی فکری و کسار گذاشتن «نظرات خشک و متجمد» و

ادامه از صفحه ۱۰

گارباجف و همکاران نزدیکش در خلع سلاح کردن زحمتکشان اتحاد شوروی بازی کردند بسیار تعیین‌کننده بود. آنها در حالی که از ماهیت واقعی این توطئه ضد سوسیالیستی آگاه بودند و خود مجریان اصلی آن بودند، تا آخرین لحظه به زحمتکشان اطمینان می‌دادند که این تغییرات در راستای تقویت سوسیالیسم و در جهت تضمین «سوسیالیسم بیشتر» رای توده‌های

حفظ اعتماد حزب و توده‌ها به سوسیالیسم است. نویسندگان قبول ندارند که سوسیالیسم مغلوب گشته است. آنها در این رابطه اشاره می‌کنند که سوسیالیسم به عنوان یک سیستم اجتماعی جدید اجمالاً دارای کمبودهای زیادی است و در یک پروسه تاریخی می‌تواند به یک سیستم کامل و جاافتاده تبدیل شود. بین تئوری و عمل پروسه طولانی جستجو کردن و رشد تئوری قرار دارد. سیستم سوسیالیستی «البسته برتر از سیستم کاپیتالیستی است، ولی در رابطه با سطح اقتصادی و فرهنگی و سطح زندگی نمی‌تواند کشورهای سوسیالیستی در فاصله زمانی کوتاه از کشورهای سرمایه داری رشد یافته یا تاریخ ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال جلو بیافتند» (ص ۳۲). نویسندگان مخالف این هستند تا سوسیالیسم را به عنوان دگم مورد بررسی قرار دهند. برای ساختن سوسیالیسم می‌بایست که شجاعانه قدم به پیش گذاشت، به تجارب تاریخی توجه نمود، به رابطه بین تئوری و عمل اعتقاد داشت و سیستم سوسیالیستی را با فرم‌ها قدم به قدم تکامل بخشید تا نظم جامعه نوین مزیت خود را هر چه بیشتر و مؤثرتر بسط دهد.

ششمین نتیجه‌گیری می‌گوید که حل مسئله ملی پیچیده و طولانی است. این مسئله احتیاج به پرنسیپ‌های برابر حقوقی، اتحاد و کمک‌های متقابل دارد. متدهای ساده و خشن مطلقاً بی فایده هستند. ساختن سوسیالیسم می‌بایست که مشوق رشد مشترک همه ملیت‌ها باشد. در اینجا ضروریست که علیه ناسیونالیسم گروه بزرگ ملی و هم چنین علیه «ناسیونالیسم تنگ نظر» گروه کوچک ملی حرکت نمود و در همان حال هویشاری لازم را در مقابل سوء استفاده‌های نیروهای دشمن در عرصه بین‌المللی از مسئله ملی به خرج داد (ص ۳۳). جریحه دار کردن احساسات ملی باعث به وجود آمدن اختلافات ملی شده که مشکل بتوان آنها را حل نمود. تضادها و منافع گوناگون موجود در مسئله ملی را می‌توان چنان حل نمود که از جدایی ملی جلوگیری نموده و اتحاد همه ملیتها را تشویق کند. اگر «ناسیونالیسم تنگ نظر» رشد نماید باعث به خطر افتادن در عرصه ایدئولوژی در رابطه با گسترش مارکسیسم - لنینیسم و چگونگی برخورد با سیستم ایدئولوژی بورژوازی و تئوری‌های علمی یک طرفه از خوبی‌های سوسیالیسم تعریف کردن و بر روی بدی‌های کاپیتالیسم تأکید کردن انعطافی با آنها ندارند. آن چنان که تاریخ نشان می‌دهد می‌تواند در پروسه چالش شدن سوسیالیسم به جای کاپیتالیسم که زمان زیادی طول خواهد کشید و فوق‌العاده پر پیچ و خم خواهد بود گرایش‌ها ضد ایدئولوژی سوسیالیستی هم به وجود آیند. پنجمین نتیجه‌گیری مهم مبنی بر جلوگیری از آشفتگی فکری و کسار گذاشتن «نظرات خشک و متجمد» و

علل و عوامل...

زحمتکش انجام می‌گیرد».

در همین رابطه کتابی با عنوان «در باره علل و پیامدهای فروپاشی حاکمیت سوسیالیستی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی» توسط حزب توده ایران انتشار یافته است. در این کتاب مقالاتی از رهبران احزاب کمونیست یونان، کوبا، ویتنام، سودان، آمریکا، پسر تقال، اسرائیل، حزب کارگری مجارستان، سوسیالیست بلغارستان و حزب توده ایران درج شده است.

دو نسل با چه گوارا

ادامه از صفحه ۸
جوانی. او برای من و خیلی از هم‌نسلانم حکایت دلنشینی است. برای پسر من اما او کس دیگری است. شهرت دارد بدانگونه که می‌شود او را با «لوئیس پریسلی»، «مریلین مونرو»، «جیمز دین» مقایسه کرد او حتی از «تام کروز» هم معروف‌تر است. عکسش را به در و دیوار کافه‌ها و دانسینگ‌ها می‌چسباند. یک گروه موسیقی‌نام او را برگزیده، تی‌شرت‌هایی با تصویر و نام او هنوز هم هواخواهان بسیار دارد. او هنوز هم می‌تواند پول‌های کلانی را سرازیر جیب سرمایه‌داران کند، او همه چیز دارد تا یک مدل تبلیغاتی بزرگ باشد. جوانی او در عین حال با سرکشی و طغیان همراه بوده. راه زندگی‌اش را خودش انتخاب کرده است. پسر من هم‌نسلانش را نه اندیشه چه گوارا که شخصیت جنجالی برانگیز او به دنبال می‌کشد.

وقتی با عجله به ساعت نگاه می‌کنم وظایف مادریم را فراموش نکنم به مادر «چه گوارا» فکر می‌کنم و اینکه سالهای زیادی نمی‌دانست که

یک معلم مدرسه را تحسین کنی و قبل از مرگ بجای خطبه‌های بزرگ از سرقت ساعت مچی‌ات گله کنی چالب‌تر است و به زندگی واقعی نزدیک‌تر و از حرمت انسانی تو هم نمی‌کاهد».

به راستی تو که هستی؟ یک انقلابی بزرگ؟ آخرین انقلابی بزرگ؟ و حالا در اینجا تو برای خیلی‌ها پنهان‌های هستی برای گریز به گذشته‌ها مان، پنهان‌های برای گریز جوانانمان از حال و حالا تو بیشتر به گذشته ما نقش داری تا آینده‌ی ما. روزی نشانگر آینده بودی و حالا روزنه‌ای هستی به گذشته. تو «مدلی» شدی که هر بار به گونه‌ای جلوه می‌کنی مثل آنوقت‌ها که «کوش آبادی» نوشت:

و جوانانی را می‌بینم همه با آنبوه ریشی و سیگاری در انگشتان و به هم می‌گوئیم «چه گوارا» اینک مد شده است. تو در اینجا ما را با آمریکای لاتین و انقلابی در آنجا پیوند نمی‌دهی با سرزمینی پیوند می‌دهی که تو را در روپا و ذهنمان در آنجا بیافتم و پروراندیم.

شب چهارشنبه سوری تهران

ادامه از صفحه اول
بخشند. روزنامه کیهان در یادداشتی، چهارشنبه سوری را آتشی توصیف کرد که از آن دود خرافات برمی‌خیزد. فرمانده نیروهای انتظامی تهران با انتشار اطلاعیه‌های متعدد، ضمن تهدید فروشنده‌ها و خریداران وسایل آتش‌بازی، به ماموران دستور داد که «اجتماعات دوستانه» جوانان را برهم بزنند و با آنان «مطابق قانون» رفتار کنند.

در شب چهارشنبه سوری، رژیم

شهرک‌ها و کوچه‌ها کار به زد و خورد بین مردم و نیروهای انتظامی منجر شد. در شهرک غرب، تهرانپارس، کوی گیشا، افسریه، خیابانها و کوچه‌های مرکزی تهران، ماموران انتظامی جوانان و نوجوانان را با چوب، زنجیر و قنداق تفنگ مورد ضرب و شتم قرار دادند و شماری را دستبند به دست به زندانهای ناحیه‌های انتظامی بردند. درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی در کوچه‌ها و خیابانهای تهران تا پاسی از شب چهارشنبه سوری ادامه داشت.

از آنچه که هراس داشت اتفاق افتاد. هوا هنوز روشن بود که صدای ترقه‌ها و انفجار نارنجک‌ها شروع شد و مردم بسوت‌ها را آتش زدند. شب چهارشنبه‌سوری، شهر یکپارچه آتش و روشنایی بود.

بنا به گزارش حزب ملت ایران در تهران در هر کجا که شعله‌ای به چشم می‌خورد و یا صدای ترقه و دهل به گوش می‌رسید نیروهای انتظامی و پاسداران بلافاصله سر می‌رسیدند. طبق این گزارش در پاره‌ای از

علل و عوامل فروپاشی «اردوگاه سوسیالیسم»

علل «فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم» در سالهای اخیر یکی از موضوعات مرکزی مورد بحث در درون احزاب چپ و کمونیستی و کارگری بود. گسترش این مباحث به برداشتهای متفاوت نظری، اختلافات، انشعابات و شکلگیری فراکسیونهای نظری در اغلب احزاب چپ منجر گردید. در برخی کشورها که پیش از یک حزب چپ وجود داشت، نظرات این احزاب در سمتهای متفاوتی تکوین یافت (ایتالیا، سوئد، آلمان پس از وحدت و ...). و در برخی احزاب به تشکیل فراکسیونهای نظری منجر گشت.

بخشی از احزاب چپ (شامل تعداد زیادی از احزاب کمونیست کشورهای سابقاً سوسیالیستی، احزاب سوسیالیسم دمکراتیک (PDS) آلمان و ایتالیا و در خاورمیانه احزابی مثل حزب مردم فلسطین و حزب ... (ترکیه) ریشههای انحراف را تا فرای انقلاب اکتبر امتداد داده و دکماتیسم حاکم بر این احزاب را عامل اصلی گسترش و عمق یابی بحران در این کشورها می دانند. بخشی از این احزاب این نقد را تا خود لنین و لنینیسم امتداد داده و لنینیسم را زیر سوال می برند و برخی دیگر ضمن پذیرش مارکسیسم - لنینیسم، برخورد دگم با این ایدهها را عامل گسترش بحرانهایی که از همان ابتدا در ساختمان سوسیالیسم وجود داشت و در فاصله گیری این کشورها از آرمانها و ارزشهای سوسیالیستی می دانند.

گروه دیگری از احزاب ضمن پذیرش انتقاداتی در روند ساختمان سوسیالیسم، عامل مرکزی فروپاشی «اردوگاه سوسیالیستی» را در نفوذ نیروهای بوروکرات و بی اعتقاد به درون حزب کمونیست و قبضه رهبری حزب کمونیست شوروی توسط این نیروها و در نهایت خیانت آنان به سوسیالیسم می دانند. برخی از آنها در بررسی انتقادات وارده به روند ساختمان سوسیالیسم ضمن طرح مسئله دکماتیسم، عمده انتقاد خود را متوجه روندهای دوران خروشچف و پس از آن و بالاخص مصوبات کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی می سازند. از این گروه احزاب می توان بعنوان مثال احزابی مانند حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست مارکسیست هند، DKP در آلمان را نام برد. در بین نیروهای چپ ایران نیز نظرات متفاوت نسبت به علل فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم وجود دارد که تاکنون به آنها مختلف در نشریات منعکس شده است. اخیراً نامه مردم نظرات خود را با عنوان «سخنی اولیه پیرامون علل و عوامل فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم» منتشر ساخته است.

در این مقاله پس از تاکید بر مارکسیسم - لنینیسم، انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن، فشار «امپریالیستها و عوامل خارجی» از قبیل حمله فاشیسم، جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی بمشابه پارامترهای مؤثر در فروپاشی کشورهای سوسیالیستی بیان شده و سپس روند ساختمان سوسیالیسم، دستاوردها و مشکلات آن مورد بررسی تاریخی قرار گرفته است. در این بررسی سیاستهای اجرا شده در مرحله اول «کمونیسم چنگی» (۱۹۲۱ - ۱۹۱۸) و مرحله دوم برنامه اقتصادی نوین (۱۹۲۸ - ۱۹۲۱) بعنوان ضرورتی آن دوران تائید شده است. در رابطه با مرحله سوم یعنی برنامه رشد سریع صنعتی در سالهای (۱۹۲۸ - ۱۹۲۵) تصمیم کمیته مرکزی حزب در سال ۱۹۲۸ مبنی بر ضرورت رشد سریع صنعتی و جبران عقب ماندگی این کشور در مدتی کوتاه، سیاست صحیح و دستاوردهای این سیاست خیره کننده ارزیابی گردیده و در ادامه آمده است: «طبیعی است که دستیابی به این دستاوردهای عظیم در چنین فاصلههای کوتاه نمی توانست بدون وجود آمدن کمبودها و مشکلات باشد. برخی از این کمبودها دقیقاً همان کمبودهای برنامه ریزی شده و پیش بینی شده بودند. متوسط رشد سالانه تولید کشاورزی در فاصله سالهای ۱۹۴۰ - ۱۹۲۸ تنها یک درصد بود و نیروی کار شاغل در این بخش بطور سالانه ۲۵ درصد کاهش یافته بود. این نتیجه مستقیم سیاست پائین نگهداشتن سطح دستمزدها در بخش کشاورزی بود با این وجود بازدهی کار در بخش کشاورزی ۱۷ درصد افزایش نشان می داد.

اما مشکلات ایجاد شده تنها مشکلات اقتصادی نبودند. کلکتیویزه کردن بخش کشاورزی و افزایش سهم مالکیت عمومی بر کشاورزی ۳/۳ درصد به ۹۸/۵ درصد در فاصله کمتر از ده سال، با مقاومت جدی دهقانان مرفهی که در چارچوب برنامه «نب» رشد کرده و از آن بهره بسیار برده بودند روبرو شد. از دیدگاه دولت، کلید موفقیت برنامه «رشد سریع صنعتی»، کنترل بر مازاد تولید بخش کشاورزی بود و مقاومت دهقانان مرفه می توانست این پروژه را با شکست کامل روبرو کند. به همین دلیل دولت سیاست خشن کلکتیویزه کردن اجباری و سرکوب هرگونه مقاومت در برابر آن را در پیش گرفت. اقدامهای سرکوبگرانه ای که در این امر از سوی دولت سوسیالیستی انجام گرفت و به نابودی دهها هزار تن منجر شد و اثرات منفی بسیار جدی و ماندگار بانی گذاشت که هم از نظر سیاسی و هم تبلیغاتی مشکلاتی برای حکومت ایجاد کرد. ابعاد تاریخی و چگونگی این سرکوب موضوعی است که از آن زمان تاکنون مورد بحث بوده است.

مشابه همین روند، یعنی سرکوب هرگونه مقاومت در برابر برنامه «رشد سریع صنعتی»، در درون حزب کمونیست نیز به وقوع پیوست. هر نوع مخالفت با این سیاست، به این بهانه که روند آمادگی در برابر تعرض امپریالیسم را کند می کند و به آن صدمه می زند، به شکلی خشن سرکوب شد.

در ادامه مقاله، مرحله چهارم «رشد سریع مصرف - سوسیالیسم پیشرفته» مورد بررسی قرار گرفته و آمده است: «در این رابطه پلنوم بیستم حزب در ژوئیه ۱۹۵۳ مشکلات اقتصادی و سیاسی جامعه را که در روند اجرای برنامه رشد سریع صنعتی

بود، به شکلی روزافزون نقش نظارت حزب بر دولت را به زیر سؤال می برد. این سلطه منافع و دیدگاه بوروکراسی تنها رابطه میان حزب و دولت را تغییر نداد بلکه با تضعیف ماهیت و ترکیب پرولتری حزب، راه را برای نفوذ این منافع و دیدگاهها به درون حزب پیشاهنگ نیز گشود. کنگره بیست و دوم، در مصوبات خود اعلام کرد که از این پس «حزب کمونیست - حزب طبقه کارگر - به حزب همه خلق شوروی تبدیل شده است»! کنگره، همچنین با تغییر اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، «ضابطه اصلی عضویت در حزب» را «شرکت فعال در ساختمان کمونیسم» اعلام کرد. بدین ترتیب، نه تنها ماهیت پرولتری حزب به زیر سؤال رفت، بلکه معیارهای طبقاتی برای عضویت در آن نیز به طور جدی تضعیف گردید.

در ادامه مقاله تلاشهای یوری آندروپوف در سمت سرخورد با بحرانهای درون جامعه مورد تائید قرار گرفته و به دستاوردهای این سیاستها در سالهای مابین ۸۵-۸۰ تا تاکید گردیده و آمده است: «این تلاشها در سال ۱۹۸۵ تلاشی بود که با ۲۵ سال تأخیر در دستور قرار گرفته بود ولی این تأخیر ۲۵ ساله به رشد یک لایه بوروکراتیک انجامیده و این لایه منافع خود را نه در تصحیح سوسیالیسم بلکه در تخریب آن می دید. در سالهای اول پس از کنگره که کنترل این جناح بر ساختارهای رهبری حزب هنوز تثبیت نشده بود، عملکرد آن بسیار محتاطانه بود و شکل آشکار به خود نگرفته بود. این جناح در حالی که ظاهراً خود را پاینده به شعار شتاب بخشیدن به رشد سوسیالیسم نشان می داد، در عمل به تقویت قدرت خود در درون رهبری و دیگر ارگانهای حزب مشغول بود. به دنبال این تثبیت قدرت و تحمیل خط مشی بود که یورش آشکار و همه جانبه ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی این جناح علیه سوسیالیسم آغاز شد. «نواندیشی» که در ابتدا مزورانه زیر پوشش «سوسیالیسم پیشتر» دنبال می شد، از این زمان علناً در خدمت احیای سرمایه داری در اتحاد شوروی قرار گرفت.

این تعرض همه جانبه ایدئولوژیک به سوسیالیسم با برچیدن گام به گام روابط تولیدی سوسیالیستی، جانشین کردن آن با روابط سرمایه داری، و کوشش در جهت ایجاد طبقه نوپایی از سرمایه داران همراه بود. میخائیل گارباچف، در اواسط سال ۱۹۹۰، کنار گذاشته شدن اصول بنیادی حاکم بر نظام سوسیالیستی، یعنی مالکیت عمومی بر ابزارهای تولید، اقتصاد برنامه ریزی شده، و دیگر اصولی را که بر اساس آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم در قانون اساسی اتحاد شوروی گنجانده شده بودند، رسماً اعلام کرد.

در انتهای مقاله نتیجه گیری شده است که این فروپاشی اجتناب ناپذیر نبوده و امکان دگرگون سازی و پیشروی سوسیالیسم در این کشورها وجود داشت و اضافه شده است: «در این میان، نقش مزورانه ای که شخص بقیه در صفحه ۹

اجلاس «شورای ملی مقاومت»

بنا به گزارش نشریه «ایران زمین»، در ماه گذشته اجلاس ۷ روزه شورای ملی مقاومت در عراق برگزار گردید. مطابق اطلاعیه پایانی این اجلاس، در این گردهمایی که با شرکت ۲۸۷ نفر اعضا شورا برگزار گردید مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، دبیرخانه و مسئولان کمیسیونها، گزارشات خود را ارائه دادند و سپس تحولات داخل کشور، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، دگرگونیهای منطقه ای و شرایط بین المللی و فعالیت های شورا مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این اجلاس اعضا جدید شورا متجمله عماد رام معرفی گردیده و گفته شد: «در دوران مقاومت دسترسی به آرا مردم امکان ندارد بنابراین برای دستیابی به انتخاب آزادانه مردم ایران بایستی به مقاومت که تنها ملاک مشروعیت است، تکیه نمود».

در این اطلاعیه آمده است: «در فاصله دو اجلاس تضادهای درونی رژیم گسترش یافته، این تضادها به تضعیف رژیم منجر می گردد ولی این امر کاملاً روشن است که گرایش های رقیب درون این حکومت هیچ تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند. - صدور تروریسم و بنیادگرایی به یکی از مشکلات اصلی رژیم در روابط بین المللی بدل گردید.

- مقاومت همه جانبه مردم و کوشندگان راه آزادی موجب آن گردیده که دسیسه چینی های رژیم برای متزلزل کردن اراده مردم در سرنگونی رژیم با شکست مواجه گردد.

- فعالیت های خانم رجوی در گسترش اعتبار شورای ملی مقاومت نقش مثبت بزرگی ایفا نمود.

- شورا مبارزه قهرآمیز را راه اصلی سرنگونی رژیم حاکم می داند و در عین حال فعال شدن عنصر اجتماعی در زمینه های مختلف، اعم از مقاومت کارگری، مقاومت فرهنگی، دانشجویی و صنفی و مقاومت زنان را که در دورنما موجب شکل یابی نهادهای اجتماعی ضروری برای پایه ریزی دموکراسی می شود، مورد حمایت قرار می دهد و در جهت تلفیق هرچه بیشتر عنصر نظامی و عنصر اجتماعی می کوشد».

در این اجلاس، شورا فرشته یگانه را بعنوان دبیر ارشد انتخاب نمود.

تظاهرات اعتراضی

بنا به دعوت «جمعیت دفاع از آزادی ایران»، بن، کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن» و «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران کلن» تظاهراتی در روز شنبه ۱۵ مارس در شهر بن برگزار گردید. شرکت کنندگان در این تظاهرات در حالیکه اکثر آنها چشم بند به چشم داشتند. دست تعدادی از آنان با دستبند بسته شده بود و به فاصله هر صد متر نیز چند تظاهرکننده با دستان از پشت بسته شده در کنار یکدیگر بر زمین افتاده بودند به نقض فاحش حقوق بشر در ایران اعتراض نمودند. در نامه ای که از سوی تظاهرکنندگان برای احزاب اپوزیسیون و دولت آلمان ارسال گردید با اشاره به نمونه های فجیع نقض حقوق بشر در ایران (اعدام های اخیر، اعمال فشار بر نویسندگان، هنرمندان، سرنوشت نامعلوم فرج سرکوهی ...) به دولت آلمان هشدار داده شد که مسئولیت این دولت در برابر عملکردهای رژیم اسلامی بیش از آن است که با محاکمه میکونوس و ارسال چند نامه ای بی اثر در مورد سرنوشت سرکوهی از خود رفع مسئولیت نماید.

پیام نوروژی نخست وزیر سوئد

به ایرانیان مقیم این کشور

۱۹ مارس ۱۹۹۷

از: نخست وزیر
به: اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد

با فرارسیدن سال نو، بدینوسیله پیام نوروژی خود را تقدیم داشته و ضمن عرض تبریک به عموم ایرانیان مقیم سوئد، برای آنان آرزوی موفقیت می نمایم. متأسفانه باید اذعان نمود که رعایت حقوق بشر در ایران نادیده گرفته می شود، که این موضوع در روابط بین ایران و سوئد بی تأثیر نخواهد بود. زندانی کردن فرج سرکوهی که اعتراض همه ما را برانگیخت، خود دلیلی بر عدم رعایت حقوق بشر و نبود آزادی قلم و بیان در ایران می باشد. دولت سوئد با قاطعیت تمام خواستار رعایت حقوق بشر در ایران است و کوشش خود را برای آزادی فوری فرج سرکوهی بکار خواهد برد. امیدوارم که ما بتوانیم در طول سال نو، و در جشن نوروز آینده شاهد بهبود حقوق بشر و آزادی های اجتماعی در ایران باشیم. صمیمانه سال نو را به شما تبریک می گویم.

یوران پرشون

تظاهرات در هامبورگ

بنا به اطلاعیه انجمن قلم در تبعید در اعتراض به دستگیری مجدد فرج سرکوهی هر دو هفته یکبار تظاهراتی در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران برگزار خواهد گردید.

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v
22442032
37050198
Stadtparkasse Koeln
Germany

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

دازنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22442032
کد بانک: 37050198
Stadtparkasse Koeln
Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290

بهای اشتراک «کار»

اروپا:
شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک
سایر کشورها:
شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

فرم درخواست اشتراک «کار»

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک: ()
مدت اشتراک: شش ماه یک سال

نام: _____ تاریخ: _____
آدرس: Name: _____
Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمهید) به آدرس «کار» پست کنید!

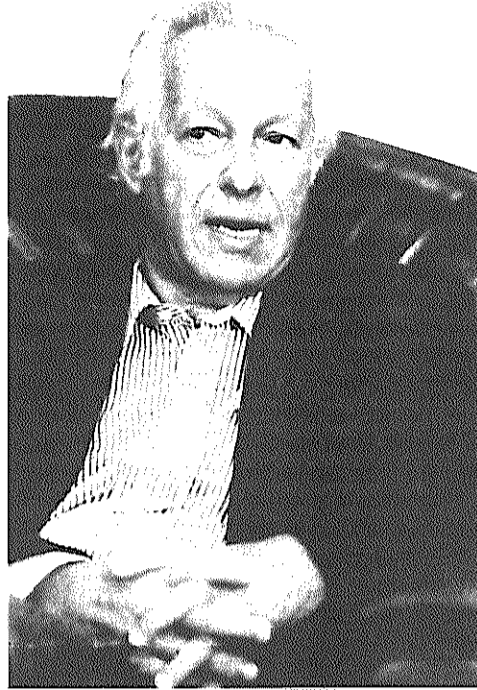
دلایل زیادی برای قیام وجود دارد

سمیر امین

برگردان: ف. تابان

سمیر امین (Samir Amin) متفکر ۶۴ ساله مصری، از متفکرین به نام مارکسیسم و متخصص تئوری توسعه در کشورهای جهان سوم است. وی در کشورهای مختلف آفریقایی در زمینه مسایل توسعه کار کرده است و از کتاب‌های مشهور او «قلمرو هرج و مرج» سرمایه‌داری جدید اقماری» و «آینده سیستم جهانی» چالش‌های جهانی» را می‌توان نام برد.

در سال‌های پایانی دهه هشتاد میلادی، سمیر امین در شرق مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا او تفاوت چندانی میان «سوسیالیسم واقعا موجود» و سیستم سرمایه داری قایل نبود و از «جنبش‌های رهایی بخش ملی»، که سومین جریان اصلی انقلابی خوانده می‌شد، طلب می‌کرد در جریان عمومی توسعه، گسست ایجاد کند. اخیرا روزنامه سوسیالیستی Neus Deutschland مصاحبه‌ای با سمیر امین در مورد مارکسیسم، گذار به سوسیالیسم و دیگر مسایل عمومی جهان معاصر انجام داده است:



حتی بخش‌های رشدیابنده صنایع فورد - تیلوری آمریکایی لاتین، شرق و جنوب را هم در نظر دارم. نمونه دیگری هم وجود دارد. مساله ایجاد حاشیه نشینی در جوامع دهقانی و مناطق شهری و ایجاد ساختارهای به اصطلاح بی‌شکل و غیره. این تغییرات در زمینه سازمان‌گری سیاسی و عمل، خنثی نیستند. من از جمله کسانی هستم که می‌گویند بسیاری از اشکال سازمان‌گری حزبی مثل سازمان‌گری بر اساس سلسله مراتب و سازمان‌گری هرمی، به گذشته تعلق دارند. زیرا این اشکال سازمان‌گری با تفوق عنصر پرولتاریایی، سطح معین و نازل آموزش و با تمرکز بر محل‌های معین کار و زندگی در ارتباط بودند و این کارها و انسان‌هایی را که بهتر و انسان‌هایی که سطح آموزش نازل‌تری داشتند را می‌آفرید. سندی‌کاه‌ها هم به این الگو تعلق دارند. ما باید به طور جدی در باره اشکال جدید سازمان‌گری که با اشکال جدید جامعه واقعی هم‌انگهی داشته باشند، فکر کنیم.

● شما در کتاب‌هایتان هم چنان از مفاهیمی مثل «طبقه کارگر»، «بورژوازی» و «سرمایه و کار» استفاده می‌کنید. خودتان را کامکان مارکسیست می‌دانید؟

بله، کامکان. من فکر می‌کنم اگر ما مارکسیسم را به مثابه یک مذهب در نظر بگیریم، باید بپذیریم که مارکسیسم یک رشد تاریخی را از سر گذرانده است. حتی اگر این گونه هم نباشد، در هر مذهب هم افکار ارتدادی وجود دارد. من شخصا به این موضوع علاقه‌ای ندارم که آیا این یا آن مساله، دقیقا در جایی یک بار توسط مارکس گفته شده است یا نه، مهم‌تر این است که مارکسیسم را به مثابه واقعیت تاریخی در نظر بگیریم. بعد از پیدایش لنینیسم، مارکسیسم به دم مبدل شد. یک پاپ ظهور کرد و این حق انحصاری را یافت که کسانی و یا برخی ایده‌ها را مارکسیستی و کسانی و ایده‌های دیگری را غیر مارکسیستی بنامد.

● پاپ رفته است...

در دراز مدت این مثبت خواهد بود، هر چند در کوتاه مدت کاملا به سود تهاجم سرمایه است. اما من خوش بینم و اعتقاد ندارم که سرمایه داری پایان تاریخ است.

● این امیدواری از کجاست؟

از منطق رشد خود سرمایه‌داری، رشدی که همیشه تضادهای عمیقی با خواسته‌های خلق‌ها به وجود می‌آورد. سرمایه‌داری نمونه جامعه‌ای است که در ذات آن کار، کالا و بیگانه‌ای خود است. ساده‌تر بگویم، در سطح جهانی، این نظام به تشدید قطب‌بندی بین شمال و جنوب، که برای آینده بشر و ادامه زندگی در سیاره ما خطرناک است، منجر می‌شود. بنا بر این طبیعی است که سرمایه‌داری در آینده نیز در درون سیستم خود، نیروهای مخالف خود را تولید کند و این سوسیالیسم خواهد بود. من برای این پرسه سفنوم دیگری ندارم. در مجموع، مارکسیسم برای نیروهای ضد سرمایه‌داری استراتژی موثر و مناسبی است. من سراغ ندارم که ما چیزی چندان بهتری به وجود آورده باشیم. البته به آن معنی نیست که این موضوع یک دمگ همیشه‌گی است.

● علیرغم این، بسیاری از چپ‌ها در شمال با مارکسیسم خداحافظی کرده‌اند. آیا مارکسیسم امروزه برای «جنوبی‌ها» اهمیت پیدا کرده است؟

نه. اما من فکر نمی‌کنم خداحافظی با مارکسیسم نیز با دوام باشد، بلکه یک دم است که با دوره‌ای از انحطاط گره خورده است. در حال حاضر تصویر در همه جا تقریبا غم‌انگیز است. اما این به آن معنا نیست که این وضعیت مدتی طولانی باقی می‌ماند. بعد از فروپاشی سوسیالیسم واقعا موجود در شرق، گام بعدی پدپاشی سرمایه‌داری در غرب خواهد بود.

● شما تزهایی برای گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم تنظیم کرده‌اید. آیا شرایط ذهنی این گذار وجود دارد؟

تاریخ گام بسیار آهسته و گام بسیار سریع پیش می‌رود. دوره‌هایی وجود دارد که در آن‌ها، بعد از یک بحران شدید و بعد از شکست، ذهنیت تغییر رنگ می‌یابد، اما عینیت هم چنان وجود دارد. بسیار مشکل است از پیش بتوان گفت آیا و چه زمانی این ذهنیت دوباره شکل می‌گیرد. اما اگر این پرسه سرانجام یک بار شروع شود، بسیار سریع پیش خواهد رفت. یک مثال از تاریخ در نظر بگیریم: پیش از سال ۱۹۰۵، به جز مارکس و چند نفر از انقلابیون روسیه، تقریبا هیچ کس فکر نمی‌کرد در روسیه یک انقلاب ممکن باشد. در بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷، یعنی فقط در مدت ۱۲ سال، همه چیز تغییر کرد. در چین نیز همین گونه بود: بعد از سال ۱۹۲۷ راه‌پیمایی طولانی شروع شد و تنها در مدت دو دهه، یک ذهنیت بسیار فعال شکل گرفت.

● فرانتس قانون، ذهنیت تغییرات انقلابی را، در خلق‌های جنوب می‌دید. اما امروز جهان سوم را در نظر بگیرید: میلیون‌ها انسانی که باید برای نان روزانه خود بجنگند، بدون دسترسی به آموزش، بدون فضایی که اساسا بتوانند مساله گذار را مطرح کنند. چگونه از این وضعیت، یک ذهنیت انقلابی پدیدار می‌شود؟

متاسفانه کاملا درست است. اما باید توجه کرد که چیزهایی تغییر می‌کند و این تغییرات در ذهن‌ها تبلور می‌یابد. پرولتاریای صنعتی بیشتر و بیشتر به گذشته می‌پیوندد و الگوی تازه سازمان‌ها در چارچوب سرمایه‌داری پدید می‌آید. من تنها از غرب پیش رفته صحبت نمی‌کنم، بیشتر؛

● شما با جانبداری زیادی در باره انقلاب اکتبر و انقلاب فرهنگی چین صحبت می‌کنید، برای شما قبل از همه وجود میلیون‌ها قربانی هراس‌آور نیست؟ آیا این همه ضروری بود؟ نه. بحث من با پست مدرنیست‌ها است. آن‌ها می‌گویند مدرنیسم شکست خورده زیرا هیتلر را به وجود آورده است. اما من می‌گویم مدرنیسم بهترین‌ها و بدترین‌ها را ایجاد کرده است. دموکراسی، آگاهی، جنبش کارگری؛ و هیتلر را هم پدید آورده است. اما من هیچ وقت نمی‌گویم هیتلر فرزند آگاهی بود. چرا شما نمی‌گویید هیتلر محصول مسیحیت است؟ او در یک جامعه مسیحی ظهور کرد. این به طور اساسی اشتباه است گفته شود هر چیز که بعد از ۱۹۱۷ در روسیه اتفاق افتاد، نتیجه ضروری انقلاب بود. مجموعه‌ای از دو راهی‌ها و ناگزیری‌ها، انتخابات‌ها و جنگ‌ها، قدم به قدم منجر به آن چه شد که اتفاق افتاد.

● شما یکی از مشهورترین اندیشه‌پردازان توسعه هستید. اما اخیرا در یکی از سخنرانی‌هایتان گفته‌اید، توسعه یک حرف تماما پوچ و بی‌محتوا بوده است.

طرح توسعه یک طرح علمی نیست، بلکه یک طرح ایدئولوژیک است. چیزی وجود ندارد که بتوان آن را توسعه خالص نامید. توسعه همیشه متوجه یک پروژه اجتماعی و یک شیوه سنجش است که آیا این پروژه با موفقیت اجرا شده یا نه. در غرب توسعه به مثابه تقویت و گسترش دولت رفاه و متکی بر گسترش حاکمیت کالا در روند تولید در نظر گرفته شد. در جنوب توسعه به مثابه جبران عقب ماندگی توسط مدرنیته شدن از طریق الگوهای صنعتی، شهرنشینی، آموزش و با دموکراسی کمتر یا بیشتر، فهمیده می‌شود. به این منظور سیاست‌های معینی مثل باز تقسیم و اشتغال کامل به کار گرفته شد. مدل شوروی توسعه، به مقدار زیادی به همین خانواده تعلق داشت. در این مدل، معیارهای دیگری به معیارهای فوق اضافه می‌شدند. مثلا: آیا دموکراسی هدف توسعه اجتماعی ما هست؟ ما دموکراسی را چه گونه می‌فهمیم؟

آیا دموکراسی صرفا حق رای و پولرایسم حزبی به اضافه حقوق بشر است؟ یا تقویت حقوق اجتماعی، حق زندگی، حق کار، حق تامین اجتماعی نیز جزو آن است؟ قبل از هر چیز ما، ما اجازه نداریم توسعه را با رشد سرمایه‌داری اشتباه بگیریم، چیزی که اغلب اتفاق می‌افتد.

● کشورهای حاشیه‌ای چه شانسی دارند که از این سیر تکامل سرمایه‌داری صرف نظر کنند؟

«صرف نظر کردن» کلمه خیلی غلیظی است. هیچ کشوری، حتی اتحاد شوروی و چین، از این راه صرف نظر نکرده‌اند. هر دوی آن‌ها بر اثر محاصره مجبور به گزینش راه دیگری شدند. آن‌ها کشورهای بزرگی بودند و از این وضع خیلی زیان ندیدند. من فکر می‌کنم این حتی تاثیر مثبتی داشت، زیرا آن‌ها را مجبور کرد بیشتر متوجه ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی خود شوند.

اما گسست ممکن است، و این هنگامی ممکن است که منطق حاکم بر مناسبت خارجی، به تقویت اتحاد و توسعه داخلی بیانجامد. البته به مثابه یک مرحله، که این نیز نسبی است و نمی‌تواند همواره صد در صد موفقیت آمیز باشد. متاسفانه تا به حال این گسست ناموفق بوده است.

● فضای کافی برای این منظور وجود دارد؟

من فکر می‌کنم برای داشتن یک فضای کافی، خیلی سریع باید به یک منطقه‌گرایی روی آورد. در این رابطه اشتباه نیست که اروپایی‌ها احساس می‌کنند به این منطقه‌گرایی نیاز دارند. در این راستا آگاهی رو به افزایش و هم چنین موانع رو به افزایشی وجود دارد. در برابر این روند نه تنها استراتژی قدرت‌های بزرگ، و در این جا ایالات متحده آمریکا، بلکه هم‌چنین فقر توده‌ها، ملی‌گرایی و غیره آن روی دیگر سکه است.

● ما از دنیای دو قطبی به سوی یک جهان چند قطبی، که در اشکال پایین‌تری همواره این قطب‌بندی‌ها در آن تکرار می‌شوند، در حرکت نیستیم؟

بله و نه. این بدترین شکل یک جهان چند قطبی است. جهان می‌تواند به سمت یک هیپراسی امریالیست‌ها برود که در آن پراکندگی جای فراستی کنونی یک قدرت، که نمی‌تواند طولانی باشد؛ را بگیرد. اما می‌تواند جهانی نیز پدید آید که فضای آزاد بسیار بیشتری را عرضه کند.

● ما در این قرن یک سیری کامل از الگوهای توسعه داشته‌ایم. سخن مورد پسند فعلی «توسعه مستمر» است. در این باره چه نظری دارید؟

چیزی علیه آن نمی‌گویم. اما باید شجاع باشیم زیرا توسعه مستمر با تمایلات نیک و نطق‌های آتشین در باره محیط زیست تحقق پذیر نیست، بلکه فقط با تناسب معینی از نیروها و سیستم سیاسی که راه‌حل‌های آن با منطق سرمایه‌داری در تضاد باشد، امکان پذیر است. این بانک جهانی نیست که یک استراتژی توسعه مستمر را تنظیم خواهد کرد.

● من فکر نمی‌کنم خداحافظی با مارکسیسم با دوام باشد، بلکه یک دم است که با دوره‌ای از انحطاط گره خورده است. در حال حاضر تصویر در همه جا تقریبا غم‌انگیز است. اما این به آن معنا نیست که این وضعیت مسدندی طولانی باقی می‌ماند.

● مارکسیسم برای نیروهای ضد سرمایه‌داری استراتژی موثر و مناسبی است. من سراغ ندارم که ما چیزی چندان بهتری به وجود آورده باشیم. البته به آن معنی نیست که این موضوع یک دمگ همیشه‌گی است.

رشد سوسیالیستی» در جهان سوم، یک مرحله گذار جهانی واقعا طولانی در پیش است. الگوهای بالا، الگوهای با چشم‌اندازهای بسیار کوتاه مدت هستند. اتحاد شوروی را در نظر بگیرید: در سال ۱۹۲۰ اشتراکی کردن، در سال ۱۹۳۶ قانون اساسی جدید و اعلام استالینی تحقق سوسیالیسم، تنها ۶ سال. در چین: شروع رفم ارضی در سال ۱۹۵۲ و در سال ۱۹۵۷ اعلام شد «سوسیالیسم تحقق یافته است»، تنها ۵ سال. اگر ما سوسیالیسم را یک تمدن تازه تصور کنیم، مسخره است بتوان آن را در مدت ۵ سال ایجاد کرد. در یک لحظه معین تاریخی و در جایی که سرمایه‌داری نیروهای مخالف خود را تا جایی باز تولید می‌کند که این نیروها سرمایه‌داری را مجبور می‌کنند خودش را با آنان تطبیق دهد، ما وارد مرحله‌ای از تکامل می‌شویم که قطب‌بندی‌ها را کاهش می‌دهد، حیف و میل و انهدام منابع طبیعی را نه تنها کاهش می‌دهد، بلکه بازتولید آنان شروع می‌شود. در این لحظه ما از مرحله تعیین‌کننده گذار از تحول کمی به تحول کیفی عبور می‌کنیم، اما تاریخ این گذار را نمی‌توان پیش‌بینی کرد.

● شاید نوع دیگری قطب بندی - رقابت سیستم‌های اجتماعی سوسیالیسم و سرمایه‌داری - سرانجام منجر به شکست تلاش‌های سوسیالیستی شد؟

من برای انقلاب روسیه احترام زیادی قایلم و آن را همیشه دوست دارم. اما مسابقه برای رسیدن به سرمایه‌داری به این قیمت تمام شد که به کلی اقدامات دیگری صورت گرفت. این اقدامات باعث شد اتحاد کارگران و دهقانان که در سال ۱۹۱۷ بر پا شده بود، بر اثر اشتراکی کردن‌های اجباری شکسته شود و زمینه عینی برای این که جامعه در بن بست قرار گیرد، فراهم شود. این را می‌توان «سوسیالیسم واقعا موجود» نامید یا آن طور که تروتسکیست‌ها می‌گویند «انحراف بورکراتیک» خوانند. برخی‌ها، مثل من، آن را سرمایه‌داری انحصاری دولتی نامیداند.

● سرمایه‌داری؟

من شاید امروز بگویم «سرمایه‌داری بدون سرمایه‌داران». مفهومی که قبلا انگلس در مورد گرایش در جنبش کارگری آلمان به کار گرفته بود. سرمایه‌داری بدون سرمایه‌داران نوعی دولت رفاه با مالکیت دولتی، بدون کنترل اجتماعی بر آن و متکی بر تعیین قیمت تولید است. این به سرمایه‌داری بسیار نزدیک است و تمدن جدیدی را تولید نمی‌دهد. به این گونه، «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم» دو کلمه مترادف برای دو گروه از کشورها، و نه برای دو گروه از نیروها و مناطق‌هایی که در دو جامعه تاثیر می‌گذاشتند، شدند.

● گذار به سوسیالیسم نو چگونه باید انجام شود؟ تزهایی من بر این ایده متکی هستند که به جای انقلاب جهانی تروتسکی، به جای نسخه ساختمان سوسیالیسم در کشورهای جداگانه، به جای سیاست گام به گام سوسیال دموکراسی غرب و به جای نسخه‌های ساده لوحانه «راه

سیاست اسکان یهودیان در منطقه عربی بیت المقدس شکستی جدید برای صلح در اسرائیل

در یک عمل انتحاری یکی از اعضای حماس در تل آویو سه تن کشته شدند

قطعه‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل علیه اسرائیل آمریکا محکومیت اسرائیل را توسط آمریکا در شورای امنیت و تو شد.

نتان یاهو در ادامه سیاست‌های ضد صلح و تجاوزکارانه خود، علیرغم اعتراضات جهان، اعلام کرد که از ۲۴ مارس عملیات ساختمانی برای احداث ۶ هزار و پانصد واحد مسکونی برای یهودیان در منطقه شرقی بیت المقدس - منطقه عربی نشین - را آغاز می‌کند. این سیاست موجب خشم و اعتراض گسترده فلسطینی‌ها شد و در شهرهای فلسطینی درگیری‌های شدیدی بین مردم و ارتش اسرائیل رخ داد.

در درگیری‌های شهر الخلیل تعداد زیادی زخمی شدند. عده زیادی از ساکنین منطقه عربی نشین شهر بیت المقدس، با به آتش کشیدن لاستیک‌ها به سیاست نتان یاهو اعتراض کردند - در تظاهراتی که از سوی گروه‌های صلح اسرائیل در محل مزبور تشکیل شد، صدها تن شرکت کردند. ارتش اسرائیل منطقه عملیات را محاصره کرد و اعلام کرد که بولدورها را تحت حمایت تانک‌ها به کار خواهد انداخت. به گزارش خبرگزاری‌ها، بسیاری از تظاهرکنندگان در محل علیرغم شرکت در اعتراضات معتقد بودند که مقاومت غیرفعال در مقابل این طرح کافی نیست آنها از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران می‌خواستند محل را ترک نکنند و می‌گفتند که خود در آغاز عملیات ساختمان‌سازی جلوی بولدورها خواهند خوابید.

فیصل حسینی یکی از وزرای خودمختار دولت فلسطینی می‌گوید: «می‌خواهند ما را نسبت به اقدامات اعتراضی صلح‌جویانه ناامید کنند». سیاست ضد صلح دولت نتان یاهو در سطح جهانی عکس العمل وسیعی

یافت. در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۳ مارس، مجمع عمومی با تصویب قطعنامه‌ای، پروژه ساختمان‌سازی را (غیرقانونی) خواند. ۱۳۰ کشور به این قطعنامه رای مثبت دادند و تنها آمریکا و اسرائیل به آن رای منفی دادند. در جلسه شورای امنیت نیز آمریکا محکومیت اسرائیل را تو کرد.

پارلمان اروپا در استراسبورگ طرح اسکان‌سازی در بیت المقدس توسط اسرائیل را «از سرگیری مسجد سیاست مستعمره‌سازی» نامید و فروش قطعات زمین به منظور ایجاد شهرک‌های جدید در نوار غزه و کرانه

غربی را زیر پا گذاشتن قرارداد اسلو و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل خواند.

عملیات انتحاری در تل آویو

روز ۲۱ مارس بر اثر انفجار بپ در کافه‌ای در مرکز شهر تل آویو سه تن کشته و ۴۸ تن مجروح شدند. این انفجار، توسط مردی که به خود مواد منفجره وصل کرده بود، صورت گرفت. طی تماس تلفنی شخصی ناشناس به مرکز پلیس، جنبش حماس مسئولیت این عملیات را بعهده گرفت و آنرا بخشی از عواقب سیاست نتان یاهو در مورد سیاست خانه‌سازی او در

شرق بیت المقدس دانست. نتان یاهو در سخنان خود یاسر عرفات را به دلیل «چراغ سبز» نشان دادن به «سازمان جنایتکاران» بیادگرا مسئول دانست. نیروهای نظامی پس از این عملیات در شهرهای بزرگ اسرائیل به منظور کنترل امنیتی مستقر شدند. راه‌های ورود و خروج فلسطینی‌ها را مسدود کردند.

سیاست‌هایی که از طرف نتان یاهو بعد از انتخاب شدن به نخست‌وزیری در سال گذشته، دنبال شده است، ادامه خود به یک دو راهی رسیده است: راه اول قطع روند صلح، ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه اسرائیل، دور مجددی از عملیات انتحاری و قدرت‌گیری بنیادگرایان.

راه دوم: عقب‌نشینی نتان یاهو از سیاست‌های درپیش گرفته شده تعمیق و گسترش قرارداد اسلو، ترک مناطق اشغالی توسط ارتش اسرائیل و ایجاد کشور خودمختار فلسطین در حال حاضر جهت‌گیری نتان یاهو، در سری تقویت افراتوی اول است.



«دو خلق، دو کشور، یک آینده» شعار شرکت‌کنندگان در تظاهرات علیه سیاست دولت نتان یاهو در مورد اسکان یهودیان در شرق بیت المقدس

دیدار سران آمریکا و روسیه در فنلاند



کشورهای اروپای شرقی مستقر سازد هر دو هیئت نمایندگی بر سر این موضوع پس از تصویب توافق‌نامه کاهش سلاح‌های اتمی - استارت ۲ - توسط پارلمان‌های آمریکا و روسیه، قرارداد جدیدی را تنظیم کنند - استارت ۳ - که در آن کلاهک‌های هسته‌ای هر دو کشور کاهش می‌یابد. اجرای قرارداد استارت ۲ باید بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ وارد مراحل جدی خود شود. عملی شدن قرارداد استارت ۲ باید مورد موافقت پارلمان‌های دو کشور نیز قرار بگیرد.

در یک بیانیه جداگانه هر دو طرف اظهار داشتند که فعالیت‌های مشترک اقتصادی خود را گسترش دهند. کلیتاً از تلاش‌های دولت یلتسین مبنی بر هماهنگ کردن اقتصاد روسیه با اقتصاد سرمایه‌داری در جهان قدردانی کرد و گفت: آمریکا پشتیبان رفاه‌های اقتصادی دولت یلتسین است. کلیتاً به یلتسین قول داد که از این پس روسیه در کنفرانس ۷ کشور صنعتی به عنوان عضو ثابت شرکت داده خواهد شد و کنفرانس ۷ کشور صنعتی به کنفرانس ۸ کشور تبدیل خواهد شد.

هیجدهمین دیدار روسای دولت آمریکا و روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی با عدم موفقیت به پایان رسید. بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا و بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه بر سر مهمترین مورد اختلاف یعنی گسترش پیمان ناتو تا مرزهای روسیه - به انضمام آوردن برخی کشورهای اروپای شرقی در ناتو - به توافق نرسیدند. بوریس یلتسین پس از پایان مذاکرات هلسینکی گفت: ما تلاش خواهیم کرد که با دیگر سران کشورهای عضو ناتو سندی را فراهم کنیم که در آن مهمترین عنصر یعنی تامین صلح و امنیت در اروپا در آن قید شود.

دو طرف در یکی از ۵ بیانیه مشترک خود اظهار داشتند که بدون تلاش مشترک همه کشورهای عضو ناتو و اروپا تامین صلح بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. در آستانه دیدار روسای جمهور آمریکا و روسیه کلینتون قول داده بود که مشکلات موجود بین روسیه و آمریکا راتما حد زیادی از سر راه بردارد. پس از پایان مذاکرات کلینتون تاکید کرد که ناتو به هیچ وجه قصد ندارد نیروهای نظامی خود را در

قول‌های آمریکائی

در آستانه دیدار کلینتون و یلتسین در فنلاند در ایالات متحده آمریکا کتابی منتشر شد که در آن دو تن از مشاورین جیمز بیکر وزیر امور خارجه سابق آمریکا - در دوره ریاست جمهوری گارباچف در روسیه - از تصمیم‌های دروغین بیکر و هانس دیتریش گنشر وزیر امور خارجه سابق آلمان - به گسارباچف و ادوارد شواردنادهزه سینی بر عدم گسترش پیمان ناتو به کشورهای اروپای شرقی پرده برداشتند. دو مشاور جیمز بیکر که به همه نامه‌ها و اسناد رسمی مذاکرات دو دولت اتحاد شوروی و آمریکا در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دسترسی داشتند در کتاب خود نقل قول می‌کنند که در پاییز سال ۱۹۸۹ گنشر به گورباچف قول داد که ناتو به هیچ وجه گسترش پیدا نکند. در آن زمان که سرنوشت آلمان

مقابل با نتوانی‌ها دست به تظاهرات زدند. به فاصله چند روز شهرهای مختلف آلمان از جمله برلین، ماگدبورگ و دتمولد شاهد اقدامات تلافی‌جویانه دست‌راستی‌ها بودند که در آن برای چندمین بار سربازان آلمانی در کوچه و خیابان‌های شهر به شکار خارجی‌ان و ضرب و شتم آنان پرداختند.

موضوع	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
بخش دولتی	۶۰۷	۶۵۴	۶۷۴	۷۲۶	۷۹۱	۸۳۷
بخش خصوصی	۵۹۹	۶۱۲	۶۳۱	۶۶۵	۷۳۱	۷۸۶
جمع بدهی درازمدت	۱۲۰۶	۱۲۶۶	۱۳۰۵	۱۳۹۱	۱۵۲۲	۱۶۲۳
بدهی کوتاه مدت	۲۶۹	۲۹۱	۳۲۳	۳۴۵	۳۳۵	۳۸۵
بدهی به صندوق جهانی پول	۳۵	۳۸	۳۸	۴۰	۴۲	۶۱
جمع کل	۱۵۱۰	۱۵۹۵	۱۶۶۶	۱۷۷۶	۱۹۰۱	۲۰۶۹

بدهی‌های کشورهای جهان سوم در نیمه اول دهه ۹۰ (به میلیارد دلار) اینک مقدار بدهی کشورهای جهان سوم در مجموع افزایش یافته است اما فقط معدودی از کشورها توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را دارند.

شدت‌گیری اقدامات نتوانی‌ها در آلمان

در هفته اخیر آلمان شاهد موج جدیدی از اقدامات نتوانی‌ها علیه خارجی‌ها و نیروهای مترقی بود پس از آنکه به جان یکی از کتاب‌فروشان هوادار حزب سوسیالیسم دمکراتیک در برلین سوء قصد شد و منجر به از دست دادن یک دست او گردید، نیروهای دمکراتیک در اعتراض به سیاست سکوت دولت در

مقابل با نتوانی‌ها دست به تظاهرات زدند. به فاصله چند روز شهرهای مختلف آلمان از جمله برلین، ماگدبورگ و دتمولد شاهد اقدامات تلافی‌جویانه دست‌راستی‌ها بودند که در آن برای چندمین بار سربازان آلمانی در کوچه و خیابان‌های شهر به شکار خارجی‌ان و ضرب و شتم آنان پرداختند.

جهان بدهکاران

سرمایه‌گذاری مستقیم در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار بوده است و این افزایش نشان دهنده سرعت یافتن روند جهانی تولید و اقتصاد است. ۸۰٪ از وام‌های پرداخت شده به کشورهای چین، مکزیک، برزیل، کره جنوبی، مالزی، آرژانتین، اندونزی، تایلند، روسیه، هند، ترکیه و مجارستان بوده است.

در نیمه اول دهه ۹۰ بدهی کشورهای جهان سوم از ۱/۵ به ۲/۰۶ هزار میلیارد دلار رسید. با

صدر خالص سرمایه‌های کشورهای تروتمند در سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵، ۱۱/۵٪ یعنی از ۲۰۷/۴ به ۲۳۱/۳ میلیارد دلار افزایش یافت.

بخش اعظم وام‌های پرداخت شده از طرف بخش خصوصی بود که بالغ بر ۱۶۷/۱ میلیارد دلار یعنی ۷۲٪ این مبلغ را شامل می‌شود که از این مقدار ۹۰/۳ میلیارد دلار آن سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای توسعه نیافته بوده است. باید توجه داشت که

طالبان

فیلمبرداری را ممنوع کرد

وزارت خارجه طالبان در کابل روز ۱۸ اسفند اعلام کرد که عکس و فیلمبرداری از انسانها ممنوع است. در اطلاعیه آمده است: «عکس و فیلمبرداری مخالف شرع می‌باشد». رادیوی طالبان نیز خبر داد که استفاده از ویدئو و نوار غیرقانونی است. رادیوی طالبان هم‌چنین خبر داد که «وزارت امر به معروف و نهی از منکر» مردان بسیاری را هنگام تراشیدن ریش غافلگیر و تعزیر کرده است. اقدامات اخیر طالبان در ادامه سیاست‌های ضد بشری‌شان پس از قدرت گرفتن در سال گذشته است